

قلم ایران

هشتاد و هفتمین سال انقلاب

مشروطیت ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

از گان روزی به صفت ما و سبب ملی ایران

ایران پزیشکان

تهرمانان گمنام مشروطیت

نسل مشروطه

جدا از مشروطه

عبور در راه مشروطه - احیاء روح قانون اساسی مبتنی بر اصولی که هر نظام ملی و دمکراتیک ناگزیر از آن کید بر آن است: "قوای مملکت ناشی از ملت است" - و سرانجام ادعا به مشروطه گری، مستلزم آن است که این جنبش بزرگ ملی را، از ریشه ها تا آثارش در حدکمال بشناسیم، چرا که "اعتقاد دینی آگاهانه" عین بی اعتقادی است. حقیقت را با پیدا عتراف کرد، حال که هشتاد سال تمام از این رویداد ملی می گذرد، رویدادی که نه فقط در تاریخ ایران که تیز در پهنه ی عظیم و پر جمعیت آسیا، درسالسیه ی بزرگترین حوادث نشسته است، سخن از ضرورت آگاهی، اگر چه قاعدتا "باید شکفت انگیز با شدولسی بیش از آن تا سف آوراست، ولی جای چگون و چرانیست که از جمله واجبات است. نسل حاضر و خاصه نسل جوان ما از چند و چون این حرکت تاریخی تا نزدیکی های مرز مطلق بی خبر است.

البته تاکنون رساله ها و کتاب های متعددی در باره ی مشروطه و مشروطه گری به چاپ رسیده است که با یادگفت مگر معدودی، مابقی از جا ذبه ها و ارزش های روشنگری محرومند و یا حدا کثر به جنگی می مانند از قیام برآکنده و کم ارتباط و گاه بی ارتباط و به همین دلیل است که هرگز شوقی نیا فریده اند و خلاصه این فقر تحقیق و بیامد آن فقر مطالعه و مخصوصاً فضای ناب فرهنگی و سیاسی بوده است که این نیا زملی را سال ها در پی سال ها معطل گذاشته است. بقیه در صفحه ۲

حدود امکان و اقتدار میان گوشه ها ئی از این حرکت افتخار آفرین ملی را برای آگاهی مردم بخصوص نسل جوان یادآوری کنیم. منظور نظرها، نه تفاخر به گذشته، کسه تلقین حس اعتماد به نفس به نیروی فعال جامعه بوده است، اعتماد به نفسی که در این ایام بیش از هر چیز به آن نیا زمندیم.

بقیه در صفحه ۴

افریقای جنوبی

تبعیض نژادی،

عامل انفجار

اوضاع در افریقای جنوبی روز بروز وخیم تر میگردد و زمینه برای بروز جنگ داخلی تمام عیار به سرعت آماده میشود. مایه فساد، آبرئید یا تبعیض نژادی ایست که از طرف دولت استبدادی آن کشور اعمال میگردد. از این جهت جز گروهی نازی و نژادپرست، تمام محافل سیاسی اعم از شرق و غرب "آبرئید" را محکوم و مبادرزه با آن را تجویزی میکنند. حتی خود دولت بوتوا در پرتورویا مخالفت خود را با آبرئید اعلام داشته است و قدم های کوتا ه ولزانی در جهت تعدیل و نه برانداختن سیستم تبعیض نژادی برداشته است.

بقیه در صفحه ۴

مصاحبه "صدای امریکا"

با

دکتر عبدالرحمن برومند

در صفحه ۱۲

ضربه کاری

بر پیکر دشمن

در صفحه ۱۲

ادبیات مشروطیت

در صفحه ۶

دکتر فردون آدمیت

مجلس اول

مظهر اراده ملی

دوره اول مجلس شورای ملی از ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ دوام یافت. در آغاز کار مجلسی داشتیم آشفته و بی سرو سامان. اکثر نمایندگان از دستور یا رعایت بی خبر بودند، انضباط اداری نداشتند، اما بدون انضباط سیاسی نبودند. به علاوه از نظرگاه قدرت یا رعایت، مجلس نوری چندانی نبرومند نبود. از پس این مرحله، نظم پارلمانی ترقی شگرف کرد، به حدی رسید که ما به "شگفتی هر بیننده" خارجی گردید. حتی نرا با "مادریا رعایت" های جهان قابل قیاس "شمردند. با به پای آن مجلس اعتبار و قدرت فراوان کسب کرد، کارهای عمده از پیش برد، و در یک بحران بزرگ اراده مجلس را کمبروضع سیاسی گردید. در نخستین آزمون پیش حکومت ملی، البته کار مجلس کاستی های داشت اما بر روی هم ترقی مجلس بسیار درخشان بود. و این ترقی حاصل کوشش رهبری مجلس و نخیمان تربیت یافته مجلسیان بود. سیر تحول مجلس را با تا کید به دستور پارلمانی اینجا بررسی می کنیم:

بقیه در صفحه ۳

و علاقه خوبش دست به این کار زده اند. گذشته از اینکه آثارشان خالی از حجب و بغض شخصی نیست، در سال ها ئی به چنین مهمی اقدام کرده اند که مشروطیت نه تنها در میان طبقه ها کمه خریداری نداشت بلکه مصلحت وقت، تخفیف و تحقیر آن را ایجاد می کرد. ما، بدون اینکه دعای تاریخ نویسی داشته باشیم، در سال های اخیر کوشیده ایم در قیام ایران در

با تاء سف با ید بپذیریم که هشتاد سال پس از انقلاب مشروطیت، که به حق با ید آن را یکی از بزرگ ترین وقایع سراسر تاریخ ایران دانست، هنوز ما، یک تئوریک کامل مشروطیت نداریم. آنچه زیرا این عنوان، تا امروز منتشر شده است وقایع نگاری های ناقصی بوده و به وسیله کسانی انجام گرفته است که غالباً "بدون صلاحیت علمی تاریخ نویسی و فقط به سائقه ذوق

بزرگداشت هشتادمین سالگرد پیروزی جنبش مشروطیت

نهضت مقاومت ملی ایران مراسم بزرگداشت هشتادمین سالگرد پیروزی جنبش مشروطیت ایران را روزیکشنبه ۱۲ مردادماه ۱۳۶۵ برابر با ۳ اوت ۱۹۸۶ - برگزار می کند. آئین بزرگداشت از ساعت ۵ بعد از ظهر روز مذکور در مرکز فعالیت های فرهنگی در شهرک "ولیزی ۲" Velizy 2 برپا می شود که نشانی کامل آن در زیر می آید. از آنجا که محل برگزاری آئین بزرگداشت مشروطیت در حومه پاریس قرار دارد، از ساعت ۱۴ تا ۱۶ روزیکشنبه (سوم اوت) چند دستگاه اتوبوس در مجاورت "هتل نیکو" Hotel Nikko آماده است تا ایرانیان علاقمند به شرکت در مراسم را به محل برگزاری رسانده و پس از پایان مراسم عودت دهد. علاوه بر این اتوبوس ها، چند دستگاه اتوبوس دیگر نیز جنب ایستگاه متروی Pont de Sevres از همان ساعت ۱۴ تا ۱۶ روز یکشنبه سوم اوت آماده است تا از همانجا ایرانیان مشتاق به بزرگداشت جنبش مشروطیت را به محل برگزاری برسانند و پس از پایان مراسم به پاریس بازگردانند. یادآوری می شود که در محل اخیر، اتوبوس عمومی خط (شماره ۱۷۹) نیز در مسیر خود از محل برگزاری آئین هشتادمین سال مشروطیت (ولیزی ۲) می گذرد. توجه خوانندگان عزیز را به نشانی محل برگزاری آئین بزرگداشت مشروطیت و نشانی های هتل نیکو "پون دوسور"، دو محلی که اتوبوس ها آنجا آماده انتقال علاقمندان به محل برگزاری انستد، جلب می کنیم.

آدرس محل برگزاری مراسم مشروطیت

LE CENTRE D'ANIMATION CULTURELLE
MAURICE-RAVEL, 25 AVENUE LOUIS-BREGUET
VELIZY 2

آدرس هتل نیکو، که اتوبوس ها در نزدیکی این هتل، آماده انتقال علاقمندان شرکت به محل برگزاری مراسم هستند.

QUAI DE GRENELLE + Pont de Sevres ایستگاه متروی
Métro : BIR - HAKEM

پزیشان در ایران برداخته می نویسد: برای دومین بار در دو هفته گذشته، بیش از ۱۴ هزار پزیشک ایرانی در روزهای ۲۱ و ۲۲ ژوئیه به یک اعتصاب چهل و هشت ساعت دست زدند. این اعتصاب به منظور اعتراض به لایحه قانونی مربوط به اعمال "قوانین اسلامی در حرفه پزشکی" بوده است. رژیم جمهوری اسلامی پس از اعتصاب اول بقیه در صفحه ۱۱

پزیشان ایرانی

اعتصاب و اعتراض اراده داره

هفته نامه "افریقای جوان" در مقاله ای زیر عنوان "بنا بر قانون طب اسلامی، تنها پزیشان زن می توانند زنان را معالجه کنند" به مسأله اعتصاب

مجلس اول، مظهر اراده ملی

بقیه از صفحه ۱

مجلس که کارش را شروع کرد تکلیف روز معین نبود، و کمتر و کیلی پای بند نظام منامه داخلی بود. رئیس مجلس هم تا چارمدا را می کرد. ایراد گرفتند که: مذاکرات ترتیب و نظم ندارد. همین که نما پنده ای مطلبی را عنوان می کند دیگران رسته سخن او را می برند و نمی گذارند حرفش تمام بشود، و پراثر آن تند نویسان و وقایع نگاران و تماشاگران مطلب او را در صورت نمی فهمند. بدین سبب مندرجات روزنامه مجلس هم خیلی معشوش است. سرانجام صنایع الدوله "پروگرام" یا دستور روز معین کرد و ترتیب صحبت و کلان نظمی گرفت و این کار رو برآورد.

اما تماشاگران که برعهده شان هر روز افزوده می گشت شلوغ می کردند. به قول سید محمد تقی: اینجا روزه هم نمی شود خواند. "گاه یکی از بیرون تا لاری مجلس می آمد، و بدون مقدمه شروع می کرد به ایراد نطق و خطابه. اتفاق افتاد که اعتبارنامه یکسانی از نمایندگان مورد بحث بود. یکبار یکی از تماشاگران برخاست و گفت: "ما را می نیستیم به انتخاب این شخص و نخواهیم گذاشت". مجلس صحنه های دیگری هم می دید: کودکا نما رس با لباس یکجور به جلسه مجلس وارد می شدند، رژه می رفتند، سرود آذادی می خواندند، و مجلسیان را می گریختند. بالاخره قرار شد برای مردم بلیط ورود صادر گردد و "به اندازه محل گنجایش" بلیط داده شود.

رسم برای این بود که نمایندگان روی فرش بطور نیمه ای بیه نشستند. رئیس مجلس بالای تالار می نشست، و میز پایه کوتاهی در پیش داشت با زنگی که گاه به صدا در می آورد. مجتهدان رو بروی نمایندگان می گرفتند. پشت سر وکلا، مخابرات و تند نویسان و تماشاگران می نشستند، و فاصله ای هم با نمایندگان ندا داشتند. سعاد الدوله اصرار می ورزید که برای وکلا صندلی بیاورند، و جای تماشاگران هم معین گردد که "مزا حمت به وکلا ندا شده باشد". اما آخوندها روی صندلی نشستند را خوش ندا شدند. بعد گفتند: بیاییم محل نطق را معین کنیم، و تند نویسان و روزنامه نگاران هم نزدیک آن جای بگیرند. و اگر و کیلی نمی خواهد جای خود حرکت کند، مطلبش را به صورت لایحه ای بنویسد و یکی از منشیان آن را بخواند. به قول سید اسماعیل بزدی: "اگر مجلس است که با بد نظریه اش همینطور با شد، و اگر تماشاخانه است آن مطلب دیگری است. میزها ایوا الحسن خان پیشنها نمود که قالیچه های بیاورند، و ناطق برود از آنجا ایراد خطابه کند. حاجی شیخ علی ایراد گرفت: نخیر، ما روی قالیچه نمی رویم، همینطور نشسته صحبت می کنیم چه عیب دارد. هرانی نمی شود برخاست و رفت آنجا... اطاق برای نطق ماست، نه ما برای اطاق".

صنایع الدوله استدلال کرد که: چون افراد خارج هم می خواهند مذاکرات را دنبال کنند، اگر ناطق به محل معینی برود او را می شناسند، و اظهاراتش را درست ثبت می نمایند. بالاخره از جلسه ۲۳ ذیحجه ۱۳۴۴ قالیچه ای پهن کردند، و محل نطق وکلا معین گردید. برای نمایندگان سیاسی خارجی هم جای معینی در نظر گرفته شد. گاه وزرای مختار خارجی با مترجمان نشان می آمدند. و معمولاً از سفارت روس و انگلیس همواره یکی دو نفر در جلسه های مجلس حاضر می گشتند.

رسم تازه دیگر کف زدن و "هورا" کشیدن در مجلس باب شد هر چند ملایان آنرا نمی پسندیدند.

از آداب مجلسیان تواضع و تعارف بیجا بود که در واقع جزو فرهنگ اجتماعی ما بوده است. معمولاً همینکه بعضی وکلا وارد جلسه می شدند اغلب حاضران بر می خاستند، ناطق هم حرفش را قطع می کرد. به پیشنهاد سعاد الدوله رسم تواضع موقوف شد (از جلسه ۱۴ شوال ۱۳۴۴). او گفت: "حالا وقت ورود خجالت نمی کشم، اما میسوارم بعد از این وقت برخاستن هم خجالتی نداشته باشم." اما هنگام ورود حجج اسلام آئین تواضع همچنان برقرار بود تا اینکه احتشام السلطنه آن را نسخ کرد. اعلام نمود: "چون رعایت پاره ای آداب در مجلس اسباب قطع کلام و قوت مرام است، باید به کلی تواضع متروک ماند". فقط محض باس حجج اسلام هنگام ورودشان "من از جانب تمام اعضای مجلس تواضع کرده، سایرین را معاف می دارم".

سید محمد تقی، یکی از نمایندگان می گفت: اینجا روزه هم نمی شود خواند. گاه یکی از بیرون مجلس می آمد و بدون مقدمه شروع میکرد به ایراد نطق و خطابه...

در آن روزگار که مردم روی دل به مجلس داشتند، به هر شکلی سراغ مجلس می آمدند. حتی مجلس تحصن گاه سیاسی تازه ای بود. شاهسونان کوچ نشین در مجلس بیست نشستند و عزل صاحب منصب روسی را خواستند: شیرازیان در باغ بهارستان چادر زدند و خواستار بیرون کردن قوام الملک از فارس بودند، زنسان

تهرانی هم با چارمدا چوچور به مجلس آمدند و در همدلی با شیرازیان در اخراج قوام الملک "تظا هرات خشم آلود" کردند. سیل تلگراف از مردم ولایات به مجلس روان بود و درسی می طلبیدند، اما پاره ای نمایندگان نسبت به این رویه عمومی ایراد گرفتند. معتقد بودند مسئولیت بعضی امور با حکومت است، و مجلس کارهای مهم تری در پیش دارد که با بستی از عهده اش برآید. برای رسیدگی به اینگونه عرضها سالها احتشام السلطنه قاعده های آنها دو اعلام کرد: مجلسی "با اشتغال به امور جزئیه از امور کلی بازمی ماند." از آنجا که بسیاری از لایحه های شکایت پس از تحقیق معلوم می شد بی مایه می باشند. از این پس هر که را در داخل لایحه شکایتی است، اول به وزارتخانه های که راجع به آن تظلم نماید، و اگر خارج از تهران است، اول به محل حکومت اظهار نماید. اگر رسیدگی به عمل نیامد، به انجمن (ایالتی) اطلاع بدهد. اگر باز احقاق حق نشد... با امضاء عرض خود را به مجلس مقدس اظهار نماید.

موضوع انضباط اداری، خاصه مسئله دیر آمدن برخی وکلا با رها به میان کشیده شده است. میزها ظاهر تنگابنی خوب گفت: "اشخاصی که ترتیب کار خود را منظم نمی کنند، چگونه می خواهند امور مملکت را منظم نمایند". به قول صدیق حضرت: "گویا وکلا معلم و محصل لازم دارند که ایشان را روانه مجلس کنند. در این باره روی سالی مجلس با رها تذکره داده اند، مدتی صورت غائبان را در روزنامه مجلس درج کردند، و حتی صحبت از جریمه

نقدی هم به میان آمد. این حالت را شاید بتوان به سه لایه لایگیری مدنی تعبیر کرد، گویی در فرهنگ اجتماعی ما رعایت وقت مقرر مورد ملاحظه نبوده است. صنایع الدوله به کتایه گفت: "معلوم می شود جای مجلس خیلی کار دارند... چون قانون مجالس ملی اینست که قبل از حضور وکلا شروع به صحبت نمی شود... با بیداری با ب تکلیف را معین کرد." اما احتشام السلطنه سخت گرفت: "این ترتیب صحیح نیست اگر در حقیقت وکالت را قبول کردید، باید در این اطاق به تکلیف وکالت رفتار نمایند. جهت چیست که جمعی از محتربین در ساعت چهار (بعد از ظهر) حاضر می شوند و در اینجا معطل می مانند، دیگران حاضر نمی شوند." این بی قاعدهگی هم اصلاحی پذیرفت اما نه بکلی.

نمایندگان روی فرش بطور نیمه ای نشستند، رئیس مجلس بالای تالار می نشست و میز پایه کوتاهی در پیش داشت با زنگی که گاه به صدا در می آورد.

انظمامات تازه موجب وکلا بود. در سال اول نمایندگان مواجبی ندا شدند، برخی توانگر بودند، بعضی کسب و کاری داشتند، مگر گذراندن زندگی شان مختلف بود. اما بودند کسانی که به قول احسن الدوله: "امورشان مختل است". احتشام السلطنه اظهار کرد: "یکسانی است که وکلا آمده اند مواجبی نگرفته اند، و تعبیبن مواجب" از حقوق خود مجلس است. در هر صورت هیچ

وقت ما میل نباشد که کسی کاری را ما بنا "بکند، کار مجانی گران تر تمام می شود". بدین قرار مواجیب نمایندگان ما می یکمدمومان تعیین شد. اما او و صنایع الدوله مواجیبی نگرفتند.

با ریاست احتشام السلطنه مجلس تحرک تازه ای یافت. او مردی قاطع و کاریز بود. از نظر مقامات دستوری قوا عدنیکونها، و از جهت معنوی اعتبار و قدرت مجلس را به کمال برد. روز اولی که به مجلس آمد اعلام کرد: "کارهای مجلس نا تمام مانده، مایه دولت زمین است (یعنی معطل مانده)، کمیسیون مالیه هنوز مشاغل خود را انجام نداده، نظا منامه ها نا تمام است، مورمملکت هرج و مرج شده. جزا بیکه وکلای عظام جدا در مقام کار برآمده دقیقه ای تسامح نوزرند، چاره ای نیست.

احتشام السلطنه نظام منامه پارلمانی را بکار بست، مدت هر جلسه را چهار ساعت مقرر داشت، اغلب صبح عصر مجلس را تشکیل داد، هرگاه ضرورت فوق العاده ای ایجاب می نمود روز جمعه هم جلسه مجلس را برپا می کرد. خواهش از نمایندگان این بود که سر وقت آماده کار باشند تا اوقات مجلس مهمل نماند. در ریاست این آدم منظم خشک اصولی، مجلس طفره گاه سیاسی نبود. گرچه شیوه اش با مزاج سیاست ایرانی نا جور بود.

اکنون از نظرگاه پارلمانی مجلس ملی ایران از اکثر پارلمان های اروپا برتر است و حتی از این نظر با ما در پارلمان های اروپا قابل قیاس می باشد.

تاسیس کمیسیون های ثابت مجلس از کسب راه های احتشام السلطنه است، گرچه این فکر را در اصل صدیق حضرت آورده بود. پیشنهاد صدیق حضرت این بود که: "در مقابل هشت وزارتخانه، هشت کمیسیون تشکیل بدهیم که هر وقت لازم شد آن وزارتخانه ها با آن کمیسیون ها مذاکره نماید." نظرا ورا بکار نبستند تا اینکه احتشام السلطنه با برقرار کردن هفت کمیسیون بسیاری از کارهای مجلس را در کمیسیون ها متمرکز ساخت.

حالا مجلس ملی نظم پارلمانی صحیحی پیدا کرد. راجع به پروگرام مجلس احتشام السلطنه اعلام داشت: "همانطور که قانون اساسی را شب و روز نشنیدیم و تمام نشست تا به انجام برسانیم، همچنین قانون بانک مای و سایر قوانین را. اما در تمام قانون بانک ملی کامیاب نگردید.

مجتهدان کمتر دستور نامه مجلس را رعایت می کردند که خود نشان خود پرستی آخوندی بود. احتشام السلطنه به آنان حالی کرد که با بستی جانب نظام مجلس را نگاه دارند. آنان هم پذیرفتند.

در تحول تکاملی مجلس ارزنده ترین گزارش رسمی که سراغ داریم "تذکره" مفصل یا در واقع مقاله عالی نامه ای است به قلم "والتراسمارت" که برای مطالعه وزارت امور خارجه انگلیس نگاشته. او از مای موران بصیر بود، در باره ایران مطالعات عملی داشت، در جلسه های مجلس حاضر می گشت، و مقالمایش را به ما خذ مشاهدات عینی تالیف کرده است. قسمتی از آن را می آوریم. می نویسد:

"هیچ کس نیست که مباحات مجلس ملی را از آغاز تا سیس آن تا حال دنبال کرده باشد. و از ترقی که در کیفیت آن در ظرف یکی دو ماه اخیر تحقق یافته به حیرت نیفتاده باشد... در اول کار رنه تنها نادانی و ناشیگری اکثر نمایندگان در امور مملکتی نمایان بود، بلکه جهالت آنان را نسبت به عادی ترین اصول سیاست آشکار می ساخت، و تعصب جاهلانه بسیاری از وکلا سبب دل سردی خیر اندیشان مجلس گردیده بود. همچنین" مجتهدان قبل از اینکه به متابعت آیند،

بقیه در صفحه ۱۵



نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی

بقیه از صفحه ۱

این بار بهمان سبب هشتادمین سالگرد مشروطیت نه از سرداران انقلاب مشروطیت - که از آنها بسیار گفته‌ایم و با زهم با دید بگوئیم - بلکه از دو تن از قهرمانان گمنام یگانگه شناخته شده جنبش ملی ایران که در واقع کودتای محمدعلی شاه و توپ بستن مجلس برای دفاع از مشروطیت، تا سرحد فداکاری رفتند و جان برسر این کار باختند ییادی می‌کنیم .

روز سه شنبه ۲ تیرماه ۱۲۸۷، به فرمان محمدعلی شاه که از چند روز پیش به باغشاه رفته و خود را آماده حمله به مجلس کرده بود، از سحرگاه تذاقان و سربازان اطراف مجلس و مسجد سپهسالار را گرفتند و راهها را به روی آمدن و دستبستند و چند عراده توپ را رویه مجلس قرار دادند .

در آخرین روزهای قبل از کودتای ۶۰۰ تنگنادر آماده دفاع از مجلس بودند ولی به جز هفتاد نفر که به نگیانی شبانه مشغول می شدند ، بقیه شب‌ها به خانه‌هاشان می‌رفتند. در نتیجه صبح روز دوم تیرماه هنگامی که تذاقان مجلس را محاصره کردند جز همان ۷۰ نفری که شب آنجا مانده بودند ، مجلس مدافعی نداشت البته پس از آغاز جنگ عسدهای توانستند به زحمت بسیار از میان صفوف محاصره کنندگان راهی باز کنند و خود را به مجلس برسانند ولی غالباً فاقد اسلحه بودند .

بمحض شلیک اولین گلوله‌های توپ به سوی مجلس ، مجاهدینی که دیوار غربی مجلس و سردر مسجد سپهسالار را سنگر کرده بودند ، دسته جمعی همراه با فریاد زنده باد مشروطیت ، شلیک کردند و عده‌ای از سربازان و تذاق‌ها را زدند . توپچی توپ‌هایی که مقابل سردر مجلس جا داده بودند کشته شد و تذاقانی ماء مورحفاظت توپ فرار کردند .

در این موقع اسدالله خان ، عمه زاده میرزا جهانگیرخان مدبر روزنامه صورا سرافیل ، که نوجوانی بود ، به اتفاق چند نفر دیگر از مجاهدین مدافع مجلس ، برای تصرف توپ در بزرگ مجلس را با زکریا و در میان باران گلوله خود را به توپ رسانیدند و با زحمت آن را به طرف مجلس کشانیدند . ولی یکی از تذاق‌ها آن نوجوان دلورا هدف گلوله قرار داد . همراهان اسدالله خان ، برای نجات او ، از توپ که تا چند قدمی مجلس آورده بودند ، دست کشیدند و بدن او را به داخل مجلس رساندند . اما همان وقت دستبستند که جان داده است .

این جوان که اولین جانباخته شناخته شده آن روز است ، در آن ایام امور داخلی روزنامه صورا سرافیل را که در مجلس اداره می شد عهده دار بود .

حاج میرزا یحیی دولت آبادی در کتاب خود - حیات یحیی - درباره اومی نویسد : " میرزا اسدالله خان در ایام تحصن در بهارستان اغلب با من بود ، روزها زحمت روزنامه صورا تحمل می کرد و شب‌ها تا صبح در سنگر پشت با من مجلس کشیک می داد ، شب دوشنبه ، ۲۲ جمادی الاول که من در بهارستان بودم این جوان را در نیمه شب دیدم خورجینی بردوش داشت و به اطاقی که متحصنین در آن بودند وارد شد ، در آن خورجین او را قی آخرین نمبره روزنامه صورا سرافیل که با هزار زحمت به طبع رسیده بود جا داشت . چون پاسی از نیمه شب گذشته بود ، من بخواب رفتم و سفیده صبح از خواب بیدار شدم و با کمال تعجب دیدم که آن جوان همچنان به مرتب کردن صفحات روزنامه مشغول است ،

قهرمانان گمنام مشروطیت

مشروطه خودمان را از دست نمی‌دهیم . وکلای اصناف هم با او همراهی کردند و علما که ملاحظه کلی از اصناف و عوام داشتند و نمی خواستند آن‌ها را که هسته امت و اصحاب بودند برجا نمانند ، موافقت کردند و لفظ مشروطه و در واقع روح و معنی آن نیز مستقر شد .

برای دانستن اعتباری که مشهدی با قریبال در مجلس اول به عنوان مدافع سرسخت مشروطیت کسب کرده بود ، کافی است قسمتی از اعلامیه شیخ فضل الله نوری را که در ربیع الاول ۱۳۲۷ در تهران منتشر کرده و در آن با لاسویه رجالی مثل تقی زاده و مستشارالدوله و مشهدی با قریبال را مورد حمله قسرا ردا ده است - از تاریخ بیداری ایرانیان تا لیفناظم الاسلام کرمانی - نقل کنیم :

"... این‌ها چه حرف است؟ مشروطه ، آزادی ، قانون می‌خواهید؟ هزار رو سیصدویست و سه سال است که خداوند عالم به ما قانون ، به توسط محمد مصطفی مرحمت فرموده ، ما قانون مستشارالدوله و تقی زاده و با قریبال را لازم نداریم . شش هزار سال است که خداوند عالم ، پادشاه واجب الطاعه عطا فرموده و در همه کتب اجرا احکام سلطان را بر همه مسلمانان واجب نموده ، شما را بخدا انصاف دهید یک ایازن سی گزور یا شاه . " و این مشهدی با قریبال که روز توپ بستن مجلس خود را به بهارستان رسانده بود ، پس از شکست ملتین ، با تفاق ملک المتکلمین و میزرا جهانگیرخان و قاضی قزوینی و چند نفر دیگر ، زیا را که امین الدوله بیرون آمدولی کمی بعد همگی به دست تذاقان اسیر شدند ، آنها را با زجر و شکنجه به طرف میدان مشق و قزاق‌خانه بردند که متعاقباً به باغشاه منتقل کنند .

محمدعلی ملک زاده پسربزرگ ملک المتکلمین که خود همراه پدرش جزء اسیران بوده است ، پس از شرح احوالت‌ها و ایراد ضرب و جرح بسیار که از طرف تذاقان لیا خوف ، در قزاقخانه ، به این گروه مشروطه خواه وارد شده است ، در چند کلمه از قتل مشهدی با قریبال یاد می‌کند : " در همان موقع با قریبال و حمزه سرباز را ... در مقابل چشم ما در میدان مشق تیرباران کردند و بدن آن‌ها را در میان میدان انداختند . "

افشای جنوبی

تبعیض نژادی ،

عامل انفجار

بقیه از صفحه ۱

اکثریت سیاه پوست آفریقای جنوبی روش‌های ملامت بقول معروف با قهر چکان پوتا را قبول ندارد و کنگره ملی آفریقای جنوبی که سازمانی چریکی است و شعارش مبارزه مسلحانه با سیستم تبعیض نژادی است و غیرقانونی اعلام شده است این اصلاحات را فریب مردم سیاه پوست توصیف می‌کنند تا با فرونشاندن خشم سیاه‌پوستان سیستم آپارتایدی در سرادا مهیبا کند .

اما در سرنوشتی از تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی دان من گیرانم تا چر و گریبان گیر آق‌ای ریگان شده است .

این در در که ممکن است در آینده نزدیک به بحران بسیار وخیمی با شروع جنگ داخلی در آفریقای جنوبی تبدیل گردد ، ناشی از نحوه مبارزه با سیستم تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی است ، به سه عبارت دیگر مطلب بر سر نوع مبارزه است که باید علیه آپارتاید برود . رهبران کنگره ملی آفریقا که پیشوا نشانسون منسلداند از سال ۱۹۶۵ در زندان پرتوریا بسر می‌برد و محکوم به حبس ابد است تنها راه مبارزه را در قیام مسلحانه برای برانداختن آپارتاید می‌دانند و پس و هیچگونه جرح و تعدیسی را در سیستم تبعیض نژادی قبول ندارند . شعارشان هم اینست که هر فرد آفریقای جنوبی اعم از سیاه و سفید و دورگه باید یک راهی داشته‌وا حق شرکت تمام عیار در امور کشور خود بر خوردا ربا شد .

اکثریت قوم زولو که حدود پنج میلیون نفرند به پیشوا تقی بوتولزی میان‌سرو و طرفدار روش اعتدال و اصلاحات تدریجی و در نتیجه مذاکره با مقامات رسمی در هر شرایطی است . این شکاف عقیدتی میان سیاه‌پوستان منجر به زود خوردن‌های خونین می‌گردد . حکام پرتوریا هم سعی زیاد در فرونشاندن این اختلافات بخرچ نمی‌دهند .

طرفداران کنگره ملی آفریقا برای تسریع در برانداختن رژیم تبعیض نژادی معتقدند که گذشته زود خوردن‌های مسلحانه و خرابکاری با پیدایش اقتصاد نیراستفاده کرد و اصلاح اقتصادی همان مجازات‌های اقتصادی است . به عبارت دیگر ریشه جمهوری آفریقای جنوبی را که سرمایه‌های خارجی سیراب می‌کنند با بدخش کردن کاخ آپارتاید فروریزد تمام دعوی در این ایام سرمایه‌های اقتصاد دبیست که به قولی با پیدایش اقتصاد و بدبختی‌های نباید اعمال گردد . خانم تا چر از آنجا که انگلیس روابط تاریخی خاصی با آفریقای جنوبی دارد و این سرزمین از سال ۱۹۱۴ متجا وزا زیک قرن مستعمره آن بشمار می‌رفت و صاحب نقش درجه اولی در این مورد می‌باشد ، با اعمال مجازات سخت مخالفت می‌نورزد و این عمل را اجنابیتی نسبت به مردم آفریقای جنوبی می‌شمارد و تمام سعی خود را بکار می‌برد تا کشورهای مشترک‌المنافع از اندیشه مجازات منصرف شوند و به فشار سیاسی و دیپلماتیک اکتفا کنند . ولی کمونلت (کشورهای مشترک‌المنافع) که از مستعمرات سابق انگلیس که امروزه چهل و نه کشور مستقل هستند تشکیل می‌شود با نظر نخست وزیر انگلیس به هیچ وجه موافقت نیستند و از فشاری ولجاعت‌خا نم‌تا چر در مخالفت با اعمال مجازات اقتصادی نه تنها در حیرت بلکه در خفا هستند . این اختلاف می‌تواند احیاناً منجر به تزلزل کشورهای مشترک‌المنافع گردد .

ورزش و سیاست

بعضی از کشورهای مشترک‌المنافع در بازی‌های ورزشی کمونلت که ۲۴ ژوئیه در ادیمبورگ (اسکاتلند) افتتاح یافت شرکت نخستند و بدین ترتیب مراتب نا رضایتی خود را از سیاست انگلیس ابراز داشتند . سی کشور ازینجا وهشت مملکت از شرکت در این مسابقات خودداری کردند ، از همه مهمتر این بود که هند نیز از شرکت امتناع ورزید . این کشورها نشان دادند که برای مبارزه با سیستم تبعیض نژادی و پشتیبانی از اکثریت مردم سیاه‌پوست آفریقای جنوبی اهمیت بیشتری قائلند تا حفظ مناسبات با ربا سابق .

پس از پایان بازی‌های ورزشی ادیمبورگ که پس از بازی‌های المپیک مهمترین نمایش‌های ورزشی است قرار است جرگه کوچکی از چند رئیس کشور از اعضای کشورهای مشترک‌المنافع در لندن تشکیل و موضوع مجازات‌های اقتصادی و روشی که باید علیه پرتوریا اتخاذ گردد مطرح شود .

اگر تصمیماتی جدی اتخاذ نکرد بدیعید نیست که تعدادی از کشورهای مشترک‌المنافع از این با شگاه استعفا بدهند .

خطرا زهم‌ها شدن کشورهای مشترک‌المنافع

نکته جالب توجه اینست که خانم تا چر نه تنها با رقبای سیاسی خود در مورد مجازات‌های اقتصادی کلنجار می‌رود بلکه روابطش با ملکه انگلیس هم شکرآب شده است . ملکه انگلیس درست است که فقط سلطنت می‌کند و حکومت در تمام شئون با نخست وزیر است اما بقیه در صفحه ۱۰

سیروس امیدوار

اوج تضادهای رژیم

دریاها و آخیر، دولت میرحسین موسوی، به طوری که مورد حمله جناح رقیب بسنه ویژه از سوی گردانندگان روزنامه

رسالت بسود، این حملات در زمان معرفی اعضای جدید هیئت دولت و تقدیم لایحه بودجه ۱۳۶۵، به نقطه اوج خسود رسید، نمایندگان جناح رقیب در مجلس اسلامی و قلمبدهستان آن ها، در جوعوموی بحرانی که تنها می شتون جا مسمه ایران را فرا گرفته و به ناهای مردم انجا میده، فرست را غنیمت شمرد و سخت به پروپسای دولت موسوی پیچیده اند، البته جناح رقیب، خود راه حل بهتری در برابر مشکلات عمده ای که گریبان ایسران را گرفته است ندارد، بلکه می گوید تا با تضعیف دولت، آنها پتا " آن را حذف کند و این اهرم قدرت را به چنگ آورد، در حقیقت تشدید بحران های داخلی (کمبود رزاق عمومی بیگاری، نارضایتی از جنگ) و مشکلات خارجی (کمبود ارز، کاهش قیمت نفت، انزوای بین المللی) فرصتی فرا همسم آورده تا به بهانه حل درست مشکلات، قدرت دولتی از دست موسوی بسدر آورده شود، بخصوصی که اختلافات دو جناح بر سر مسئله جانشینی خمینی، مدت ها ست کسه تبدیل به دعوی آشتی نا پذیر و مسئله مرگ و زندگی شده است.

در این رابطه، گفتار رادیو تلویزیونی هشتاد دقیقه ای میرحسین موسوی در ۴ تیر ماه گذشته (۲۴ ژوئن ۱۹۸۶)، هر چند که به اسم "گزارش نخست وزیر به مردم پیرامون مسایل جدید اقتصاد کشور صورت گرفت، اما در حقیقت ضد حمله ای بود علیه جناح رقیب، چه در حالی که در آن گفتار عمسلا " هیچ "گزارش" نشده بود، حملات روشن و آنگاری به رقیب می شد تا به انجا کسه برای بدست آوردن جواز سخت ترسیسن مجازات، رقیب را به "ضدانقلاب" و "ضد مکتب" متهم می کرد.

موسوی از اینجای شروع می کند که: "موسوی در این مقاله مفصلی در یکی از جراید دانشمند در مورد کنایه و زری کشور، اطلاعات داده شده در این مقاله منفی بود و عملا تمام نکات منفی که ممکن است در مورد کشاورزی کشور وجود داشته باشد، گردآوری شده بود و به نکات خسوب و فعالیت های آن که نظام ما، که دولت هم جزئی از آن است و در این مورد انجام داده اشاره نشده بود.

و بعد با شکایت ادامه می دهد: "متاسفانه این مقاله در جهت نومیادی و در جهت اطلاعات غلط درج شده است، این جوابهای را ایجاب می کند ضمن اینکه به دولت لطمه می زند. " سپس برای آنگه رقیب در دچار سخت ترین مجازات ها کند، با دلترین اتهام در جمهوری اسلامی را به او نسبت می دهد: "این مسئله به نظام اسلامی و خلاف اصول اعتقادی خود میان می دانییم. " پیدا است موسوی اگر قدرت بیشتری داشت، با همین اتهام، رقبای خود و بخصوص نشریه رسالت را، به همان سرنوشت بازگان و بونی مدر درمی ساخت.

البته فقه کشمکش های دولت "خدمتگزار" موسوی و رقبای اینجای ختم نمی شود، او در همان گفتار اشاره به دعوی های دیگری

اما انتظار رندانه که مورد حمله رقیب قرار گیرد که نه تنها شریک و مستمسول کمبوده ها ست، بلکه راه حل بهتری هم ندارد و آنها پتا "در فکر تصرف قدرت است، در نتیجه، برای آنگه در مقابل دشمن سپر نیانداخته باشد، به همسسان تا کشتیک کهنه متوسل می شود، به صحرای کربلا می زند و رقیب را تهدید می کند که این انتقادات؛ نشان دهنده عدم اعتقاد به نیروهای انقلابی حاضر در صحنه است (۰۰۰).

" چیزی که بحساب نمی آید اراده ملت و ایستادن ملت و فرزندان این ملت است، در صحنه های گوناگون به حساب نیارودن رهبری انقلاب است، بحساب نیارودن مجلس انقلابی ماست و بحساب نیارودن دولتی است که برخاسته از مردم و خدمتگزار مردم است.

هدف موسوی روشن است، با متهم کردن رقیب به بی اعتنائی به مردم و به ویژه رهبری، رقیب مستوجب هرگونه "حدی" است، به راستی که دعوی میبمان جناح ها، دیگر جای هیچ گونه آشتی باقی نگذاشته است. و خامت این دعوی تا آنجا ست که جناح های رقیب، عمده تا چوب لای چرخ هم می گذارند و همدیگر را لومی دهند. موسوی در این مورد به گزارش محرمانه ای از اوضاع اشاره دارد که از سوی وزارت برنا موبودجه تهیه و برای استفاده و نظر خواهی محرمانه مسئولان فرستاده شده است.

اما رقبای گزارش را لومی دهند: "چنین سندی حتی قبل از اینکه مسئولین فرصت خواندن آن را بکنند در جریدهای انتشار پیدا می کند و بدینوسیله مطالب فاش می شود و جای اینجاست که نطقی که با هم هم دارند ننویسند، ما یونس کینه انگشت روی آن می گذارد، " و کماکان برای تدارک تنبیه رقبای ادامه می دهد:

" این چه فرقی می کند که ما بیاییم بگوئیم که کجا ضعف داریم که آسیب پذیر هستیم یا اینکه به هوا پیمان های دشمن نشان بدهیم که کدامیک از آنها سبب ما مورد هجوم قرار بگیرد. موثرتر است و کجا را بر بنیم به تر است. خوب اینها از نظر نتیجه یکسان است. " موسوی بسیار روشن و آشکار، رقیب را شریک "صدام ترکیبی" و "سپاه کفر" می کند، باز با یادگفت موسوی اگر قدرت بیشتری داشت به این جرم، سر رقیب را از تن جدا می کرد. گفتیم که قصد موسوی در این گفتار، نه عرض گزارش به مردم، که حمله به رقیب است و این تا به انجا ست که موسوی، حتی به دروغ و لاف و گزارف هم به توجیه عمل کرد دولت خود نمی برد و دوبرعکس، به کاستی و کمبودها، ماف و روشن اشاره می کند. او آنها پتا "گناه رابه دوش عوام مل تا مسا عدی چون انفجار رقیب حزب جمهوری اسلامی و کشته شدن "بیش از هفتاد و دو تن از ابران امام" و نیز بمباران های جنگ و کاهش قیمت نفت، ... می اندازد و بدینوسیله به هم دیگر جناح ها در پیدایش و تداوم عوام مل تا مسا عدی اشاره می کند و سرا انجام رقیب کتا به می زند که: "اگر راست می گویی پیشنهاد دپایان دادن به عوام مل تا مسا عدس و روسا ما با فتن کشور (مثلا "جنگ" را بده تا من هم به جرم ضدیت با گفتار ما، به "گرام لگا تبین حوالهات دهم.

اما از آنچه شرح رفت، نتیجهمای برمی آید که در تحلیل سیاسی جمهوری اسلامی ویرانندازی آن، بس مهم است.

رژیم توتالیتر جمهوری اسلامی، همچون دیگر رژیم های توتالیتر (استبداد مکتبی به ایدئولوژی) تا همدعواها و کشمکشهای بسیار سختی است که در میان جناح های گوناگون بر سر تصاحب قدرت بیشتر، صورت می گیرد. اما ویژگی توتالیترسیم خمینی در آن است که خمینی بعنوان قائد اعظم، برخلاف استالین در شوروی و هیتلر در آلمان، سردسته هیچ یک از جناح های رقیب نیست و بدین ترتیب قدرت همسگ جناح های رقیب، به مبارزه مداوم می انجامد که مانع ثبات پذیری کامل رژیم است. در حقیقت ما داد می که خمینی به عنوان "پیشوای توتالیترسیم اسلامی و مشروط ترین مرجع سیاسی دست اندکاران جمهوری اسلامی، حرف آخر را به نفع این یا آن جناح نزنند،

فرار از بهشت

مقامات برلن غربی برای تامین مسکن موجی از پناهندگان ایرانی و خاورمیانه ای که هفته گذشته از طریق آلمان شرقی وارد این کشور شده بودند به برپا کردن چادرهای متعدد و تخمینا یک ورزشگاه و تعبیه ۲۵۰ تخت اضطراری در آن اقدام کردند، این تخت ها بی درنگ توسط پناهندگان اشغال شدند تا آنکه حتی یک تخت خواب خالی نیز باقی نماند.

گزارشگر رادیو ایران در پسن، درباره موج فراینده پناهندگان ایرانی به آلمان غربی، گزارشی تهیه کرده است که از نظر گمان می گذرد:

این روزها سیل متقاضیان پناهندگی دولت آلمان فدرال را با مشکل روبه رو کرده است، نوددرصد این متقاضیان را جوانان و کتا ها نهاده های تشکیلات می دهند که از جنگ حکومتی های خود کتا مه آسیائی و آفریقائی گریخته اند و در آرزوی یافتن سرپناهی امن و آزاد، تن به آوارگی و ترک پارودیا ردا داده اند، بر اساس آمار می که مقامات دولتی آلمان ارائه کرده اند، بیش از ۴۰ درصد این آوارگان، جوانان ایرانی هستند که از "بهشت عدل روح الله خمینی" گریخته اند و با تحمل دشواری ها و مصیبت های بسیار رو پشت سر نهاده اند پنج شش هزار کیلومتر، خود را از راه آلمان شرقی به برلین غربی رسانده و تقاضای پناهندگی کرده اند. به عنوان مثال در روزهای ۱۲ و ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۶، ۵۶۸ تن بعنوان پناهنده خود را به پلیس برلن غربی معرفی کرده اند که از این تعداد، ۲۷۵ تن ایرانی بوده اند. تلویزیون آلمان، در گزارش های خبری خود، با آنگسان گفتگوهای بعمل آورد، همه یکصد می گفتند که از خفتن می گریزیم و نکبت پارخمینی بر میهن ما تحمیل

دعوی طرفین هم زور، فیصله نخواهد یافت و ناچار کشمکش میان طرفین و نا همخوانی در مدیریت امور، اجازه هیچ ثباتی را به رژیم نخواهد داد. البته به محض احساس خطر، "قا ئدا عظم" برای حفظ نظام سا خته و پرا خته خود آن طور که صلاح بدانند، دخالت خواهد کرد. همچنان که پیش از این دخالت های بی کرده است، اما تا زمانی که این دخالت به نفع جناحی روشن و آشکار نباشد، کسه به صلاح خمینی هم نیست روشن و آشکار بگوید مبارزه میان رقبای جناح ها ادامه خواهد داشت، که این خسود بازدارنده ثبات رژیم است.

بی شک مهم ترین عوام مل و بلکه تنها عامل تعیین کننده، هشیاری، برنا مریزی، هماهنگی مبارزه در داخل و خارج سرانجام و آر کردن ضربه کاری به موقع از سوی اپوزیسیون ملی است.

تصحیح و اعتذار

در مطلب تذکریه نمایندگان مجلس عوام انگلیس که در شماره پیش (قیام ایران مورخ ۲۴ ژوئیه ۸۶ برابر با دوم مرداد ۶۵) به چاپ رسید، در ضبط نام نماینده مجلس انگلیس که تذکریه را ارائه کرده است اشتباهی رخ داد. نام وی "کیست بست" است.

رادیو ایران ساعت های پخش برنامه
پخش تلویزیونی
۱۸ ساعت ۱۷ دقیقه ۱۴ ثانیه
۱۹ ساعت ۱۷ دقیقه ۱۵ ثانیه
۲۰ ساعت ۱۷ دقیقه ۱۶ ثانیه
۲۱ ساعت ۱۷ دقیقه ۱۷ ثانیه
۲۲ ساعت ۱۷ دقیقه ۱۸ ثانیه
۲۳ ساعت ۱۷ دقیقه ۱۹ ثانیه
۲۴ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۰ ثانیه
۲۵ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۱ ثانیه
۲۶ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۲ ثانیه
۲۷ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۳ ثانیه
۲۸ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۴ ثانیه
۲۹ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۵ ثانیه
۳۰ ساعت ۱۷ دقیقه ۲۶ ثانیه

کرده است و از جهنم جنگ بی شرفست ساله ای که همچنان قربانی می طلبد بجان آمده اند و خود را به آب و آتش زده اند تا شاید در این گوشه دنیا کمی آرامش و آزادی داشته باشند، بر طبق پیش بینی های آمار می مقامات آلمان غربی، تعداد متقاضیان پناهندگی در این کشور در سال جاری بالغ بر ۱۰ هزار نفر خواهد شد، ز این پیش بینی می توان نتیجه گرفت که با توجه به سهم چهل درصدی ایرانیان، تعداد آوارگان میهن ما که تنها به آلمان روی خواهند آورد، در حدود ۴۰ هزار تن خواهد بود، حال اگر تعداد چشمگیر جوانان و آوارهای را که به آمریکا، فرانسه، انگلستان،

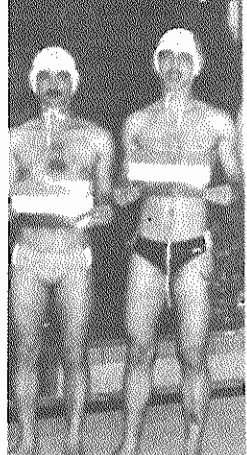
پاکستان و ترکیه جلی وطن می کنند نیز در نظر آوریم، ژرفای فاجعه ای را کسه در این کشور و جنانیکا رجا کم، بر میهن ما تحمیل کرده اند، درخواهیم یافت. شمسه آوارگان ایرانی در خارج از کشور که هر سال و هر ماه افزاین گسترده تری پیدا می کند بزرگترین سند دروغ پردازها و فریبکاری های رژیم است که روزوشب از بوق های تبلیغاتی خود زمیلیون ها جوان دا وظلیبی سخن می گوید که گویا جبهه های جنگ را پر کرده اند.

از همان زمان که خمینی پیس از او قداره بسند سپاه پاسداران محسن رضائی، بشیر ما نه از بسبب اجباری و همگانی سخن می گفتند و طرح اهریمنی خود را انتشار دادند، موج فرا را از "بهشت عدل سلامی" فزونی گرفت، از همان زمان اینجای و آنجا در روزها مه ای چاپ آلمان و نیز در تفسیرهای خبری رادیو تلویزیونی ایسن کشور به این نکته اشاره می شود که فرار جوانان ایرانی، از خدمت وظیفه سربازی نیست بلکه آنگسان از میدان های کشتار دسته جمعی می گریزند در این میان جوانان کم سن و سال و حتی کودکان دیده می شوند که دوستان هم سن و سال آنها را از پشت میزهای مدرسه، به جهنم جنگ اعزام داشته و قتل عام کرده اند.

دو قهرمان واترپولو

به نهضت پیوستند

آقایان جمشید پیروزی و جمشید کهزاد از قهرمانان تیم واترپولو جوانان کرولال که از دست دشمنان حاکم ایران به کشور آلمان غربی گریخته و تقاضای پناهندگی کردند، همبستگی خود را به نهضت مقاومت ملی ایران اعلام داشته و از روزکودندتا تحت رهبری دکتر شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران، مردم به آرزوی دیرینه خود یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، که دهها سال برای آن مبارزه کرده اند، برسد.



آنان اعلام داشتند که استبداد ورزشکاران ایرانی فقط در سایه دموکراسی و نوع رژیمی که نهضت مقاومت ملی ایران برای آن مبارزه می کند، شکوفا خواهد شد و خواهند توانست بسرای سرزمین خود در میدانها ورزشی جهان افتخار و سربلندی به ارمغان بیاورند.

ادبیات مشروطیت

زبان حال شاه مخلوع

ملک الشعرا بهار

بمناسبت حمله مجدد محمدعلی شاه پس از خلع و تبعید به روسیه و شکست دوباره و فرار او.

زبان حال شاه مخلوع

۱

با بنده فلک چرا جنگ است
سبحان الله این چهرنگ است
بودم روزی به شهر تبریز
آقا ولی عهد و با چیسز
شهرمز بود و بنده اپرویز
و اینک شده ام ز دیده خونریز
کاین چرخ چرا چنین دورنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲

بودم روزی بشهر تهران
مولا و خدا یگسان و سلطان
بستم همرا به توبی غران
گفتم که کسی نما ندا زایشان
دیدم روز دگر که جنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۳

گفتم که خلق حرف مفتند
آخر دیدیم دم کلفتند
خیلی گفتم و کم شنفتند
یک جنبش سخت کرده گفتند
بسم الله روی فرنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۴

گفتم که ما زگندگانیم
رحمت ز خدا به بندگانیم
سوی اودسا شوندگانیم
غم نیست گراز روندگانیم
بنشستن ما بخانه تنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۵

سوی اودسا شدیم هی هی
مجنون آسا شدیم هی هی
بی برگ و نوا شدیم هی هی
یکباره فنا شدیم هی هی
آن دل که بمانسوخست سنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۶

اندر ادسا قزی خیمه
آمد چون لیلی از قبیله
مجنون شدمش بلاوسیله
بگذاشت بگوش من فتیله
گفتم که وقت لاس و دنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۷

بدبختی مانگر که خانم
ناداد دگر بدست ما دم
یک روز و دوروز بود و شد گم
با خود گفتم خسروا تم
کن عزم سفر، که وقت تنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۸

بربادنگار عیسوی کیش
کردیم سفر بملک اطریش
درویشانه گذشتیم از خویش
کز عشق، شان شوتند درویش
دیدم ره دورویای لنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۹

خانم ز نظر برفت باری
مقصود سفر برفت باری
وقتیم بهدر برفت باری
چون عشق ز سر برفت باری
گفتم: که نه موقع درنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۰

دیدم بشهر قال و قیل است
صحبت زنگار بی بدیل است
وزما سخنان بس طویل است
گفتم که نام ما "خلیل" است
گفتم: که کار ما شلنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

با خود گفتم ممدلی هی
وقت سفر است، یا علی هی

برخیز و برو مگر شلی هی
خود را آماده کن ولی هی
بیا که زمانه تیز چنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۱

آن کس که تراست میهمان دار
بسیار رفیق تست، بسیار
از توپ و تفنگ و جیش جرار
همراه کندت، مترس زنهار
بشتاب که وقت نام و ننگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۲

و آنگاه ز شهر مار بینباد
رفتیم به باد کوبه دلشاد
صاحب خانه نوید میداد
میگفت بزو به استر آباد
گفتم: که ممدلی ز رنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۳

گفتم: قلیوف بیا، بیازود
آماده بکن یکی پسر خود
نامرد بقیمتش بیفزود
من نیز قبول کردم از جود
گفتم که نه وقت چنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۴

و آنگاه بر رسم میهمانها
رفتیم بایل ترکمانها
دادیم نویدها به آنها
گفتم: که ای عزیز جانها
از غم دل ما، به ونگ ونگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۵

گفتم سخنان بمکر و فنها
پختم همرا، از آن سخنها
خوش داد نتیجه ما و منها
این نقشه نه خوب گشت تنها
هر نقشه که میکنم تشنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۶

من ممدلی گریز پایم
بادولت روس آشنایم
تهران تو کجا؟ و من کجایم
خواهم که بجانب تو آییم
کز عشق تو کله ام دینگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۷

بیر دوره ده سلطنت منم دی
آسایش و عافیت منم دی
هم عزت و منزلت منم دی
آوخ که بو مملکت منم دی
ملت ینه ایندی قولتنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۸

ای ترکمان نیک منظر
ریزید بشهر و قلعه یکر
چاپید هر آنچه اسپ و استر
ز آغوش پدر کشید دختر
کاین مایه پیشرفت جنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۱۹

قالقون گذرز بنی له همراه
همتله ایدون منی ینه شاه
شاه اولسام اگر، اولون سز آگاه
غارت ایدرز بنحو دلخواه
قالقون گذرز که وقت تنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۰

و آنگاه دو اسپه بادل شاد
رفتیم بشهر استر آباد
کردیم علم چماق بیداد
گفتم: که هر که پیشکش داد
ایمن زگلوله تفنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۱

ارشد که چومانند هراسان
۲۲

شده ازم شاه هر دو سمنسان
از سوی دگر رشید سلطان

شدا ز راه راست، سوی تهران
گفتم: که وقت دنگ و ننگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۳

خودگر چه ز شوق تیز بودیم
در وحشت و ترس نیز بودیم
هر دم بسر گریز بودیم
هر لحظه بجست و خیز بودیم
گفتی که براه ما پلنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۴

گفتند: که کارها شلوغ است
و این کهنه چراغ بی فروغ است
سر ما به ارتجاع دوغ است
گفتم: که جملگی دروغ است
گفتم: که جملگی جفنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۵

گفتند: که کشته شد رشیدت
گفتند که پاره شد امیدت
گفتند: وعید شد، نویدت
گفتند: سیاه شد، سفیدت
دیدم سر من ز غمه منگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۶

گفتند که خصم کینه خواه است
بدخواه براه و نیمه راه است
قصه همگی بقتل شاه است
دیدیم، که روز ما سیاه است
و آئینه ما قرین زنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۷

گفتند که ارشدت جدو شد
و آن میرمکرمت کتو شد
اردوی منظم چپو شد
هنگام بدو بدو شد
بگریز که جعبه بی فشنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۸

گفتند: جناب حکم فرما
زحمت چکوز، دگر بفرما
بر گرد کجا که بودی آنجا
دیدم زین بیش جنگ و دعوا
حقا که برای بنده ننگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۲۹

بنمود زمانه هرزه پویسی
وین گردون کرد تیره رویی
افکند مرا بمرده شویسی
گفتم: مگر که جنگ جویسی
چون عشق نگار شوخ و ننگ است
سبحان الله این چه رنگ است

۳۰

امروز ز بخت در گله استم
درگیر شکنجه و تله استم
در کار فرار و لوله استم
گر بنده امیر قافله استم
این قافله تابحشر لنگ است
سبحان الله این چه رنگ است

از عارف قزوینی

بمناسبت فتح تهران و ملحق محمدعلی شاه

پیام آزادی

پیام دوشم ز پیر می فروش آمد
بنوش با ده که یک ملتی بهوش آمد
هزار پرده ز ایران درید استبداد
هزار شکر که مشروطه پرده پوش آمد
ز خاک پاک شهیدان راه آزادی
ببین که خون سیاوش چنان بجوش آمد
برای فتح جوانان جنگجو چای
زدیم باده و فریاد نوش آمد
کسی که روسفارت پی امیدی رفت
دهیدم زده که لال و کروموش آمد
صدای ناله عارف بگوش هر که رسید
چو دلف بزر و چون چنگ درخوش آمد

اقبال شدیار با بختیاری

از ملک الشعراء بهار بمناسبت با بیان استبداد دغیر و خلق محمد علی شاه از سلطنت (استقبال از غزل معروف حافظ "عیشم مدام است از لعل دلخواه کارم به کامت الحمد لله)

می ده که طی شد، دوران جان کاه آسوده شد ملک، الملک لسه شد شاهنورا، اقبال همراه کوس شهبی کوفت، بر رغم بدخواه شد صبح طالع، طی شد شبانگاه الحمد لله، الحمد لله

یک چند ما را، غم رهنمون شد جان یار غم گشت، دل غرق خون شد نام وطن را، رخ نیلگون شد وا مروزه دشمن، خوار روزبون شد زمین جنبش سخت زین فتح ناگاه الحمد لله، الحمد لله

چندی زبیداد، فرسوده گشتیم با خاک و با خون، آلوده گشتیم زیر پی خیم، بیهوده گشتیم وا مروزه دیگر، آسوده گشتیم از ظلم ظالم، وز کید بدخواه الحمد لله، الحمد لله

آنانکه ما را، کشتند و بستند قلب وطن را، از کینه خستند از بد نژادی، پیمان شکستند از چنگ ملت، آخر نجستند از حضرت شیخ تا حضرت شاه (۱) الحمد لله، الحمد لله

آنانکه با جور منصوب گشتند در معده ملک، مکروب گشتند آخربملت، مغضوب گشتند از ساحت ملک، جا روپ گشتند پیران جا هل، شیخان گمراه الحمد لله، الحمد لله

چون کد خدا دید، جورشان را از جا برانگیخت، ستارخان را سدستم ساخت، آن مرزبان را تا کرد رنگین، تیغ و سنان را از خون دشمن، وز مغز بدخواه الحمد لله، الحمد لله

پس مستبدین، لختی جهیدند گفتند لختی، لختی شنیدند ناگاه زهر سو، شیران رسیدند

دشمنی با همه ملت دارم...

اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) که زبان حال شیخ فضل الله نوری را بیان می کند و در روز و روز دیگر میلیون به تهران، در روزنامه نسیم شمال انتشار یافته است.

حاجی با زار رواج است رواج کو خریدار، حراج است حراج می فروشم همه ایران را عرض ونا موس مسلمانان را رشت و قزوین و قم و کاشان را بخیرید این وطن ارزان را بزد و خوانسار حراج است، حراج کو خریدار، حراج است حراج

دشمن فرقه حرا رمنم قاتل زمره اجسار رمنم شیخ فضل الله مسیار رمنم این فروشنده بیبا رمنم مال مردار حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

با همه خلق عداوت دارم دشمنی با همه ملت دارم از خود شاه و کالت دارم

به حراج از همه دعوت دارم وقت افطار حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

شهرنو اردوی ملی زده رج مشرف شده قزاق کرج گر که دیوانه شدم، نیست حرج جز حراج نبود، راه فرج رخت زرتا حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

طبل و شیپور علم را کی میخاد شیرو خوزشید ر قم را کی میخاد تخت جمشید عجم را کی میخاد تاج کی، مسند جمر را کی میخاد اسب و افسار حراج است حراج کو خریدار حراج است حراج

می دهم تخت کیان را بگرو می زنم مسند جمر را به علو می کشم قاب خورش را بجلو می خورم قیسمه پلو، قرمه چلو رشته خوشکار حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

الحمد لله، الحمد لله

مصما ما یمان برنده با دا ضراغام دین را، دل زنده با دا بخت سپهدار، فرخنده با دا سردا را سعد، پاینده با دا

کافتاد از ایشان بدخواه در چاه الحمد لله، الحمد لله

ستارخان را، با دا ظفر یار تبریزیان را، یزدان نگهدار سالارشان را، نیکو بود کار آخرا را نیز، دل با دیدار تا جمله گویند با جان آگاه الحمد لله، الحمد لله

(۱) مقصود شیخ فضل الله نوری و محمد علی شاه مخلوع است.

آن روبهان با ز، کم در کشیدند شد طعمه شیر، مکار روباه الحمد لله، الحمد لله

اقبال شدیار، با بختیاری گیلانیان را، حق کردیاری جیش عدو شد، یکسرفراری در کنج غم گشت، دشمن حصاری شد کار ملت، بر طرز دلخواه الحمد لله، الحمد لله

یکسوسپهدار، شد فتنه را سد یکسویوروش برد، سردا را سعد ضراغام پردل، آمد زیک حد بر کف گرفتند، تیغ مهند بستند بر خصم، از هر طرف راه الحمد لله، الحمد لله

بدخواه، دین را، سد متین بود خاکش بسر شد، پادشاه این بود دشمن که با عیش، دامن قرین بود اکنون قرین است، با ناله و آه

تو تولیقتو

از اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) بمناسبت اعطای امتیاز ژیلانات دریای خزر به لیبانازف روسی که حوزه میدماهی را برخلاف قرارداد به آبهای رودخانه های مازندران علیا و گیلان گسترش داد و آن آبها را هم جزو حوزه امتیاز ساخته بود.

میخواند خروسی به شیبستان تو تولیقتو می گفت که ای فرقه مستان تو تولیقتو کوبهم و کورستم دستان تو تولیقتو آوخ که خزان زد بگلستان تو تولیقتو فریا دز سرمای زمستان تو تولیقتو

از سیل فتن شهروطن رو بخرابی ما خفته و مدهوش چومستان بشرابی می گفت به مرغان هوا آدم آبی: در شهر بود تخطی انسان، تو تولیقتو فریا دز سرمای زمستان تو تولیقتو

خون گریه کند مزرعه بر حال دها تی سوزد جگر سنگ به احوال دها تی عربان و برهنه همه اطفال دها تی ایوای زبدبختی دها تی، تو تولیقتو فریا دز سرمای زمستان تو تولیقتو

اف با دبا بین زندگی و طالع منحوس

تف با دبا بین غیرت و این دفتر محکوس افسوس که تبریز شده دستخوش روس قزوین شده جولانگه روسان تو تولیقتو فریا دکشیدند خروسان تو تولیقتو کوبلخ و بغا را وجه شد خیه و کابل کوهند و سمرقند و چه شد با بل و زابل کونقطه قفقاز چه شد آن چمن گل این بحر خزر بود از ایران، تو تولیقتو فریا دز سرمای زمستان تو تولیقتو آوخ که زکف شهروطن می رود آسان اطفال رعیت همه ترسان و هراسان آوخ که بتبریز و بقرزوبین و خراسان سالدات بهر صبح دهدسان تو تولیقتو فریا دز سرمای زمستان تو تولیقتو هی هی بخروشید که با زاول کار است شیرانه بجوشید که هنگام شکار است مردانه بجوشید که دشمن بکنار است زیر لگد افتاد خراسان تو تولیقتو کافر بکجا خاک مسلمانان تو تولیقتو در انزلی مروز سخن های مخوف است دعوی لیا نزوف بسرمایه یوسف است در خانه ما مدخل اوالف الوفاست صیاد بدربیا شده نالان تو تولیقتو فریا دز سرمای زمستان تو تولیقتو (ما می گیر)

آن شنیدم که حجج در عتبات زده چا در بلب شط فرات شده عازم بعجم با صلوات جز حراج نبود راه نجات دین بنا چا حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

گر از اسلام بشد قطع اثر و ربیبا گشت بگیلان محشر و ربیبا تبریزا رس کرد مقرر هر چه شد شد، بجهنم بسقر فوج افشار حراج است حراج کو خریدار حراج است حراج

جد مرحوم شاه ز مهر و وداد هیبنده شهر ز قفقاز زیه داد آنچه از مال پدر مانده زیاد می فروشد همه را با باد همه یکبار حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

می کشد صیحه سروش از طرفی بختیاری بخروش از طرفی ملت رشت بجوش از طرفی شیخ را عزم فروش از طرفی فروش دربار حراج است حراج کو خریدار، حراج است حراج

مروری در تاریخ

انقلاب مشروطیت ایران

مروری در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تا لیب ایرج پزشک زاد از طرف نهضت مقاومت ملی ایران در این هفته طبع و نشر شد.

ایرج پزشک زاد، در مقدمه کتاب توجه ویژه خود را به جوانان ایرانی معطوف می دارد و یکی از انگیزه های شاه لیب این کتاب را از آن می داند که "بخصوص نسل جوان ما نیاز دارند که جزئیات این بزرگترین جنبش ملی تاریخشان را بدانند."

نویسنده، سال گذشته، بمناسبت سالگرد پیروزی جنبش مشروطیت ایران، در چندین مقاله مستند به پژوهشی درباره "یکی از بزرگترین وقایع تاریخ ایران برداخت که طی چند شماره، حاصل این بررسی در "قیام ایران" به چاپ رسید.

ایرج پزشک زاد تا کید می کند که تاریخ نویسی نیست و "تنها چکیده ای از آنچه مورخین قدیم و جدید ما درباره انقلاب مشروطیت نوشته اند تلخیصی و تدوین و تلخیص کرده است."

این کتاب آنطور که مؤلف می گوید: "یک روزنامه روقایع انقلاب مشروطیت ایران از آغاز تا پایان استبداد صغیر و افتتاح مجلس دوم" است.

نقل قولها و اسناد و شواهد در متن هر فصل و در آمیخته با مطالب به شیوه ای آمده است که به خواننده تمرکز ذهن می دهد و در نتیجه با علاقه، گزارش عظیم ترین واقعه ملی ایران را تا پایان دنبال می کند.

جان دریغ از ره ایران نکند...

از لاهوتی کرمانشا هی شیخ پیمان خودا ندر سر پیمان نه فروخت او که هشیار بد، این را ز چه مستان نه فروخت دانش و دین مراد سر پیمان زاروفا تا خبردار شد، این دل دیوانه فروخت در سر حرف رقیب از بر من دوری کرد آشنا بین که مرا مفت به بیگانه فروخت نبرید از بر من پای، مرا تا خرید نکشید از بر من دست، مرا تا فروخت دل آدم بزد، ار گندم خالش، نه عجب چه ما دین خودا ندر سر پیمان دا نه فروخت آخرین قطره خونی که در آن باقی بود دل بان دلبر تا جیک فرغانه فروخت جان دریغ از ره ایران نکند لاهوتی او از اول سر خود در سر پیمان خانه فروخت

گزارش دولت در جلسه ۲۵ شهریور مجلس شورا قرائت شد. پس از آن چند نفر از نمایندگان جبهه ملی شرحی در تأیید سیاست نفتی دولت بیان کردند و سپس مجلس با رأی ۶۱ از ۶۰ رأی اکثریت به دکتر مصدق رأی اعتماد داد. روز بعد مجلس سنا نیز به اتفاق آراء به دکتر مصدق رأی اعتماد داد.

در نتیجه مذاکراتی که در مجلس شورا پیرامون گزارش دولت صورت گرفت مقرر گردید که نکاتی که طی گزارش به عنوان شرایط حل اختلاف ذکر شده بود برای بررسی به هیئت مختلط ارجاع شود. مطالعات هیئت مزبور مدت یک هفته به طول انجامید. نتیجه آن تأیید همان شرایطی بود که در گزارش دولت ذکر شده بود جز اینکه حق انتخاب یک مینای جدید برای تعیین دعای بیسه طرف داده می شود و آن عبارت بود از مقررات قرارداد داری تا تاریخ ملی شدن با در نظر گرفتن مالیات بردار آمد طبق قوانین ایران. در تاریخ ۲ مهر ۱۳۳۱ دکتر مصدق پیشنهادی متضمن شرایط یاد شده به نمایندگان انگلیس و آمریکا تسلیم نمود و مهلت قبول آن را ده روز تعیین کرد.

روز ۱۳ مهر سفیر انگلیس و سفیر آمریکا هر یک نامه ای در جواب پیشنهاد بالا از طرف دولت خود به دکتر مصدق تسلیم نمودند. نامه های مزبور در واقع جواب پیشنهاد نبود زیرا نه آن را قبول می کرد نه رد. بلکه تذکر می داد که دولت در درک مضمون پیام مشترک دچار سوء تفاهم شده است و غرض دولتین به هیچ وجه گریز از شرایط قانون ملی شدن نبوده. نه از لحاظ اصل ملی شدن، نه از جهت استقلال و آزادی ایران در اداره صنعت نفت و انجام معاملات فروش.

نامه دولت انگلیس بخصوص تأکید می کرد که منظور آن دولت نه احیای قرارداد امتیاز بوده است نه برقراری انحصار فروش نفت ایران. جواب دولت آمریکا نیز با این تعبیر که پیام مشترک به تمام معنی واقعیت ملی شدن نفت را تأیید مینماید می کند از عکس العمل نامساعد دولت ایران در برابر آن اظهار تأسف می کرد.

در تاریخ ۱۴ مهر شاه ضمن سخنرانی بمناسبت افتتاح مجلس سنا بعد از تعطیل تابستان آرزوی دولت در مسئله نفت اظهار رضایت نمود و گفت: "تلاش خستگی ناپذیر و پایداری جناب نخست وزیر با پشتیبانی ما و مجلسین در ملی کردن صنعت نفت و حفظ حقوق ملت طبق قانون موهوبه مورد تقدیر است."

در تاریخ ۱۵ مهر دکتر مصدق نامه ای به دولت انگلیس نوشت و ضمن اظهار رضایت سفارزایی که آن دولت اشرار به پیشنهاد مقابل او ننموده است اضافه کرد که آماده مذاکره با شرکت سابق در اطرار و پیشنهاد مزبور می باشد و درخواست کرد که شرکت نمایندگان برای مذاکره در آن زمینه در ظرف یک هفته به تهران بفرستد. مبلغ بیست میلیون لیره از بابت ۴۹ میلیون لیره ای که به حساب دولت ایران نگاه داشته است بپردازد. نامه ای هم در همان تاریخ به دولت آمریکا نوشت و با تشکر از مساعدت آن دولت برای حل اختلاف و یادکردن اشکالاتی که دولت ایران بر اثر اختلافات شرکت نفت و دولت انگلیس به آن دچار شده بود تقاضا کرد که دولت آمریکا به دولت انگلیس سفارش کند که به درخواست او و در برابر اعزام نمایندگان از طرف شرکت سابق برای مذاکره ترتیب اثر دهد. ولی دولت آمریکا یا نخواست یا نتوانست نظر دولت انگلیس را تغییر دهد.

در تاریخ ۲۲ مهر وزیر امور خارجه انگلیس نامه ای به دکتر مصدق نوشت که مضمون آن پیشنهاد مقابل ایران را رد می کرد و یادآور می شد که اصول نظریه دولت انگلستان نسبت به حل مسئله نفت به قرار

زیر است: قبول واقعیت ملی شدن صنعت نفت به نام خود و شرکت نفت، نداشتن هیچ نظریه دایره ای برای قرارداد امتیاز، عدم اصرار بر دریا ره حق انحصاری خرید نفت ایران، اعتقاد به اینکه موضوع غرامت باید به قضاوت بی طرفانه دیوان دادگستری بین المللی واگذار شود، آماده گری شرکت نفت به تجدید مذاکره بمحض حصول توافق درباره شرایط واگذاری موضوع غرامت به قضاوت دیوان بین المللی، حفظ حقوق قانونی خود و شرکت نفت تا هنگام حصول توافق مزبور. روز بعد نیز وزارت امور خارجه انگلیس بیانیه مشروحه در توضیح نظریات و توجیه روش خود در برابر دولت ایران برای اطلاع عامه منتشر کرد و ضمن آن اظهار علاقه دولت ایران را به بسط روابط دوستانه با کشور انگلستان مورد تردید قرار داد و دلایلی برای اثبات علاقه دولت انگلستان به حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران اقامه نمود و چنین ادعا کرد که نفوذ و قدرت انگلستان در قرن نوزدهم و بیستم به نفع استقلال ایران بکار رفته بود.

نکته قابل توجه اینست که چرا در این موقع دولت انگلستان بختنا "درصد توضیح موقعیت خود در برابر افکار عمومی انگلستان برآمد. بعید نیست که دولت انگلیس این اقدام را از آن جهت لازم دانست که اظهار نظرهای مبنی بر دفاع از خواسته های ایران و انتقاد تلویحی از روش انگلستان در جریان لندن منعکس شده بود و دولت انگلیس می خواست بطور غیر مستقیم به آن جواب دهد. مهمترین دفاع از موضع ایران شرحی بود که به قلم ریچارد استوکس مهرداد سلطنتی (که در شرح میسیون قبلا گفته شد) در تاریخ ۱۴ شهریور در روزنامه تایمز لندن منتشر شد و ما قسمت های آن را نقل می کنیم:

"در حالی که دلایل طرف انگلیسی اختلاف نفت که متکی بر پایه های سیاسی و اقتصادی قرارداد ملی است و اصول متداول کشورهای غربی می باشد خوب معلوم و واضح است. دلایل طرف ایرانی هیچگاه چنانکه باید در انگلستان بیان نشده است... سال گذشته کویت بر اساس رژیم تصنیف عوامی سی میلیون لیره عایدی داشته است و حال آنکه محاسبات آخر سال عملیات

فواد روحانی

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

بندوبست امریکا و انگلیس

شرکت نفت انگلیس و ایران نشان می دهد که خزانهداری انگلستان به عنوان مالیات مبلغ ۵۰ میلیون لیره از شرکت مزبور دریافت نموده. در صورتی که سهام ایران طبق قرارداد امتیاز تقریباً "بالغ بر ۱۶ میلیون لیره گردید."

ایران نیز طبق اصول دموکراسی حق داشتند نفت خود را ملی کنند و ضمن این اقدام اصل پرداخت غرامت کافی و منصفانه را هم تصدیق نمودند. جبران خسارت وارده فقط به وسیله فروش نفت عملی خواهد بود. زیرا هر قدر هم که ارزش تأسیسات آبادان زیاد باشد ضروری نماند از نقض قرارداد های فروش چندین برابر از هزینه تجدید تأسیسات بیشتر خواهد بود.

مذاکراتی که من در سال گذشته انجام دادم از طرف ایران نیز قطع نگردید بلکه تعلیق آن از جانب من بود زیرا در مورد استفاده کارشناسان نتوانستیم موافقت ایران را با ترتیبی که عملی باشد جلب کنیم. بعداً مذاکرات از طرف ما قطع شد. نه از طرف ایرانیان بنا بر این هر شرایطی که اکنون به ایران پیشنهاد شود قطعاً باید لایق بخوبی نکات هشدار دهنده ای باشد که در پیشنهاد سال گذشته من مطرح شده بود.

در ایران نسبت به فرود آمدن انگلیس ها حسن ظن بسیار زیادی وجود دارد. ایرانیان به شیوه زندگی و صفات درستی و قار انگلیسی ها احترام می گذارند. ایرانیان مردم دوست داشتنی هستند و مروت نسبت به دوستانشان از خصمیت های آن ها است. روابط فردی آن ها هم در موربا زرگانی معقول و منصفانه است کاری که ما باید بکنیم اینست که اختلاف را از محیط سیاسی خارج کنیم. اکنون به عقیده من هیچ پیشنهادی که از منابع رسمی خواهد بود امریکا نخواهد انگلیسی ناشی شود با نظر مساعد تلخی نخواهد شد همچنین به عقیده من خود شرکت نفت نیز دیگر کمترین آمیدی به آن نگذارد. نتواند تعصبی را که علیه آن ایجاد شده رفع کند.

در این وضع بهترین تدبیر اینست که وظیفه مذاکرات مقدماتی و کوشش در اصلاح امر به وسعت مستقیم با زرگانی یا صنعتی انگلستان واگذار شود که بتواند به طریق غیر رسمی و قانع از نظریات شخصی با اشکالات موضوع مواجه شوند. ممکن است طرز فکر دولتی این روش را نپسندد اما امیدبخش ترین راه حل اختلاف همین است.

در حال با و صل نامه مورخ ۲۲ مهر از طرف وزارت امور خارجه انگلیس دولت ایران موضوع پیام مشترک ترومن و چرچیل را خاتمه یافته تلقی نمود.

چهار ماه فترت

فترت چهار ماهه (آبان - بهمن ۱۳۳۱) بین رد پیام مشترک و طرح پیشنهاد جدید

طرح مسئله: مذاخله شرکت های آمریکا طی درصحنه نفت ایران

از پیام مشترک ترومن - چرچیل این معنی استنباط می شد که دولت آمریکا قصد دارد در موضوع اختلاف نفت ایران نقش وسیع تری از نقش میانجی برعهده بگیرد و تصویری که همیشه در ذهن ایرانیان وجود داشت دایره بر اینست که دولت آمریکا با لایحه جریانات سیاسی رایج سمت وارد کردن شرکت های آمریکا در صحنه نفت ایران سوق خواهد داد. دعوت گرفت. هر چند پیام مشترک رد شده بود ولی بزودی نشانه های پیدایش آنرا بینک به پیام دیگری به دنبال آن خواهد آمد.

در ماه آذر ۱۳۳۱ وزیر امور خارجه آمریکا به لندن رفت و با وزیر امور خارجه انگلیس در خصوص نفت ایران مذاکره کرد. از آنچه خبرگزاران اطلاع می دادند معلوم شد که موضوع این مذاکرات تسهیم نمودن شرکت های آمریکا در بهره برداری از نفت ایران است. همچنین شایع شد که انگلیسی ها هر چند از این فکر چندان استقبال نمی کردند ولی چون عملاً از قبول آن ناچار بودند خود را با آن مخالف نشان نمی دادند حتی گفته می شد وزیر امور خارجه انگلیس به وزیر امور خارجه آمریکا اظهار کرده است که ما دیگر از فکر انحصار نفت ایران چشم پوشیده ایم و حاضریم آن را به

شرکت های آمریکا می واگذار کنیم. در تاریخ ۱۵ آذر دولت آمریکا اعلامیه ای در خصوص معاملات نفت ایران صادر کرد که متن آن در بخش معاملات شرکت ملی خواهد آمد و خلاصه آن این بود که صلاح دولت ایران در اینست که با شرکت های که دارای وسایل لازم به مقیاس بزرگ باشند معامله کند. چون از معاملات جسته و گریخته با خریداران کوچک طرفی نخواهد بست.

در اواسط آبان ماه شایع شد که فکر جدیدی در آمریکا طرح شده و تعقیب می شود. از این قرار که مسئله نفت ایران ممکن است از طریق تأسیس یک سازمان بین المللی به کمک دولت آمریکا حل شود و معلوم گردید که شرکت های نفت آمریکا می خواهند بزرگ چه کوچک مشغول تشبثاتی شده اند تا یک چنین ترتیبی را فراهم آورند. در حدود دو ماه بعد (دیماه ۱۳۳۱) چارچوب یک سازمان بین المللی برای اداره نفت ایران در مجله نفتی مشهور آمریکا یعنی اوایل فوروم (Oil Forum) شماره ژانویه ۱۹۵۲ با

کلیاتی به شرح زیر ترسیم شد: تشکیل یک کمیسیون بین المللی برای مدت اقل ده سال برای بهره برداری از نفت ایران با مسئولیت مدیرهای به عضویت نه نفر (سه نفر ایرانی، سه آمریکایی، سه کانادایی)، تأسیس سرمایه لازم به مبلغ ۳۰۰ الی ۵۰۰ میلیون دلار به توسط بانک بین المللی و شرکت های نفت آمریکا و کانادا که بعداً از محل درآمد نفت مستهلک شود، سهم بودن ایران به میزان ۵۱ درصد در سازمان مزبور بدون پرداخت قسمتی از سرمایه، اداره عملیات تحت راهنمایی کلی دولت ایران و بر اساس قانون ملی شدن نفت، پرداخت غرامت به شرکت سابق طبق تشخیص دیوان لاهه، صدور نفت ایران به بازارهای جهان و فروش آن از جمله به شرکت سابق در حدود مقادیری که آن شرکت قبلاً از ملی شدن نفت صادر می کرده است به قیمتی که نفع مناسبی برای شرکت مزبور در آن منظور شود، آزاد بودن کمیسیون در استخدام کارشناسان خارجی با این شرط که کارمندان انگلیسی که در شرکت سابق خدمت می کرده اند بدون موافقت دولت ایران به کارگزاران نشده شوند، تحویل کلیه سازمان و عملیات به دولت ایران در پایان مدت تصدی کمیسیون.

در اواخر دیماه و در طی بهمن ماه چندین بار ملاقاتهای بین دکتر مصدق و سفیر آمریکا و به موازات و در رابطه با آن تماس ها بین مقامات دولت آمریکا و دولت انگلیس مخصوصاً بعداً از تغییر حکومت در آمریکا صورت گرفت. درباره این ملاقات ها اخبار دقیق و مطمئنی منتشر نمی شد. نکات شایعات هم روز به روز فزونی می کرد یعنی گاهی امیدبخش و گاهی یأس آور بود. اما خبرگزاران در این موضوع توافق داشتند که اشکال عمده مربوط به مسئله تعیین غرامت است که انگلیسی ها خواهان رجوع به لایحه آن به دیوان لاهه بودند در حالی که دولت ایران قبول آن را مشروط به این شرط می کرد که دولت انگلیس قبلاً محتسبای دادخواست خود را تعیین کند و ذکر از غرامت عدم انتفاع به میان نیاید. در این وضع محافل نفتی تهران با علاقه و کنجگویی مخصوص در انتظار وصول پیشنهادی بودند که گفته می شد دولتین انگلیس و آمریکا در شرف تنظیم آن هستند.

نامه یزکان ایرانی شافل در فرانسه

همدردی و تأیید

اعتصاب پزشکان ایرانی

دکتر منوچهر رزم آرا، پزشک متخصص قلب و زیربهداری کابینه، دکتر شاپور بختیار، استاد پیشین دانشگاه تهران، به عنوان نماینده پزشکان ایرانی شافل در فرانسه از رئیس شورای عالی نظام پزشکی فرانسه خواست که تمام می نفوذ و صلاحیت خود را در جهت احقاق حقوق پزشکان ایرانی که اخیراً "دوبار دست به اعتصاب زده اند، به کاربرد.

توجه شما را به متن نامه دکتر منوچهر رزم آرا به رئیس شورای عالی نظام پزشکی فرانسه در پیاریس، جلب می کنیم.

"آقای رئیس، دولت جمهوری اسلامی، یک لایحه قانونی را به مجلس شورای اسلامی تسلیم کرد، که تصویب نهایی و اجرای آن، بر استقلال نظام پزشکی ایران، عملاً نقطه پایان خواهد گذاشت.

پزشکان ایران به قصد اعلام اعتراض به نقض آشکار حقوق حرفه ای خود، پس از هشدارهای مکرر به رژیم که همه بی نتیجه ماند، اخیراً ناگزیر شدند دوبار دست به اعتصاب بزنند. رژیم تهران در مقابل چنین وضعیتی، به شدت واکنش نشان داده، شمار کثیری از پزشکان را توقیف و زندانی کرد. این اقدام خودسرانه و خودکارانه، وضع مراقبت ها و خدمات پزشکی و بهداشتی را در ایران که در پی وقوع جنگ، خود به خود وخیم شده بود، وخیم تر ساخت؛ جنگی بیهوده و مرگبار و بی پایان که خمیان و قربانیان بی شمار در میان کودکان و نوجوانان ایران برجا نهاده است.

بنابراین، وظیفه ما است که توجه خاص جناب عالی را به این مسأله ای حاد جلب کنیم و از شما درخواست کنیم که نهایت نفوذ و صلاحیت خود را به کار برید تا حقوق مشروع پزشکان ایرانی تأسیس شود و آن گروه از این پزشکان که در بند حبس و توقیف به سر می برود، آزاد شوند. از سوی پزشکان ایرانی شافل در فرانسه دکتر منوچهر رزم آرا

افریقای جنوبی

تبعیض نژادی، عامل انفجار

بقیه از صفحه ۴

وی رئیس کشورهای مشترک المنافع است و باین عنوان بهیچ وجه میل ندارد که بهیگانی وصفاً اعضای این "باشگاه" خدشای وارد آید.

کشورهای مشترک المنافع بدون اینکه از لحاظ سیاسی و جغرافیائی و اقتصادی هم آهنگی داشته باشند از نوعی همبستگی که شاید از گذشته همبستگی طولانی زیر سیطره یک فرمانروا باشد برخوردارند ملاط این همبستگی هم حضور انگلیس است. بی خود نبود که بعد از رفتن انگلیس از مستعمرات تابع بود که انگلیس از مستعمرات رفت ولی انگلیسی ها ماندند. معذالک این تجانس شکننده است و این قبیل ضربات ممکن است اساس همکارى سودمند فرهنگی اقتصادى و فنى موجود میان آن ها را متزلزل کند. این متزلزل نمی تواند به نفع انگلیس تمام شود.

وزیر امور خارجه انگلیس که اکنون در آفریقا بسر می برد و ما موریت داریاب مذاکره میان مقامات پرتوریا (پایتخت اداری جمهوری آفریقای جنوبی) و سرجنیان نهضت ضد آپارتاید را افتتاح کنند در ماه موریتش با شکست مواجه شده است. چون هیچ یک از تعزیه گردان های کنگره ملی آفریقا حتی اسقف توتسو حاضر به ملاقات او نشدند. بوتای رئیس جمهوری آفریقای جنوبی هم آنقدر در قبول ملاقات سر جفری هو این دست و آن دست کرد که رئیس دیپلوما سسی بریتانیا نیای کبیر را سرکشته کرد. رئیس جمهوری زامبیا دکتر کال لوندی خطاب به سر جفری گفته بود: من نظر به احترام و علاقه قلبی که به ملکه انگلیس دارم و بعنوان نماینده ها معاقتصادی اروپا شما خیر مقدم می گویم. ولی به هیچ وجه برای کاری که آمدید و موصوماً روشی را که می خواهید دنبال کنید به شما تهنیت نمی گویم.

انزواى آفریقای جنوبی

از باین جنگ جهانی دوم یا بهتر بگوئیم از سال ۱۹۴۸ که مالان زمانه آفریقای جنوبی سیستم تبعیض نژادی را بصورت امروزی آن برقرار کرد و اسم "رشدمازی" روی آن گذاشته شد رژیم آفریقای جنوبی مرتباً با تقریباً تمام ممالک دنیا را بطرفای پرتنش و با چنان سوم بویژه مناسباتی بحرانی داشته است. یکی دیگر از علل درگیری های سخت سیاسی و اقتصادی پرتوریا با اعضای سازمان ملل متحد این است که دولت پرتوریا از نامی می که در جنوب غربی آفریقا واقع شده است دست بر نمی دارد و بهیچ عنوان حاضر نیست به این سرزمین که از طرف جا معا ملل قیومتش به پرتوریا سپرده شده بود بنا به موازین منشور ملل متحد، یعنی حق تعیین سرنوشت، استقلال بدهد. جمهوری آفریقای جنوبی سرزمین مذکور

بقیه از صفحه ۲

را سپری بین خود و انگولای مارکیست میدانند.

موقعیت و قدرت اقتصادی

کمتردولتی میتوانند در چنین انزواى دربرابر فشار افکار عمومی صدها میلیون نفر از مردم آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین دوام آورد و به راه خود ادامه دهد. کشورهای اروپای غربی با توجه به منافع اقتصادی و مرام سیاسی خود مناسبات بیش و کم سرد و ولرمی با جمهوری آفریقای جنوبی دارند. همگی آن ها طالب براندازی آپارتید هستند و مجازات های محدود را هم تجویز می کنند ولی در عین حال هوای پرتوریا را هم دارند نه بخاطر خود آفریقای جنوبی بلکه به دو علت بسیار مهم: یکی اینکه جمهوری آفریقای جنوبی بر شا هراه دریائی مهمی که اقیانوس های اطلس و هند را بهم متصل می کند نظارت دارد و دیگر اینکه معادن بسیار مهم ستراتژیکی در خاکش نهفته است. در این کشور که از موقع استراتژیکی ممتاز و غنی است سرشار از بر خوردار است ۶۰ درصد از محصول طلای دنیا بدست می آید. قدری کمتر از کشور ژنرال اسماس در آفریقای جنوبی است که بیشتر از اورانیوم تولید می کند. ۹۰ درصد از ذخایر سنگ قاره آفریقا از آفریقای جنوبی تا مین می گردد. ذخایر آهن و مس و کرم و روی و پلاتین آن بسیار قابل توجه است و شرکت های چند ملیتی از آن بهره برداری می کنند. چندی قبل در برنا ماهی راجع به آفریقای جنوبی در تلویزیون فرانسه سرمایه گذاری انگلیس و آلمان و ایالات متحده در جمهوری آفریقای جنوبی به ترتیب یکصد و بیست و یکصد و یکصد و سیلیار دلار ذکر کردید. مسلم است که چنین گام شگرفی را با قطع مناسبات اقتصادی نمی خواهند زبیا در آورند. شاید بنظر بعید بیاید ولی جمع کشوری از اعضای کنگره ایالات متحده رئیس جمهوری را سخت تحت فشار قرار دادند تا دستور مجازات های اقتصادی میان نیاورد بلکه آقای بوتای رئیس جمهوری آفریقای جنوبی را مورد تنقید هم قرار داد و ملاحظاتی را که او قطع کرده چکان وار بعمل می آورد ستود.

موضع ریگان

برزیدنت ریگان سرانجام روز ۲۲ ژوئیه سکوت را شکست و نطقی را که همه با بی صبری در انتظارش بودند ایراد کرد و برخلاف انتظار عده ای و علی سرغم فضا روز افزون افکار عمومی در دنیا نه تنها صحبتی از مجازات اقتصادی به میان نیاورد بلکه آقای بوتای رئیس جمهوری آفریقای جنوبی را مورد تنقید هم قرار داد و ملاحظاتی را که او قطع کرده چکان وار بعمل می آورد ستود.

اصفر آقا

"اصفر آقا" هفت ساله شد

"اصفر آقا" هفت سال پیش به همت آقای هادی خرسندی نویسنده مباحث و وطنپرست، در تبعید طبع و نشر شد. این نشریه طنز آمیز، درید و انتقار طاعت نام داشت و هادی خرسندی بس از چندی نام "اصفر آقا" را برای هفته نامه اش مناسب تر یافت و به این ترتیب طاعت به اصفر آقا بدل شد. ایرانیان آواره در سرانجام از روز نخست از این نشریه مستقل که با شمشیر برنده فکا هه وطنز و طرح ها و اشعار آیدار، به جنگ استبداد ددینی برخاسته است، با اشتیاق فراوان استقبال کردند. هادی خرسندی، هفت سال است که یک تنه و با تحمل زیان های مالی اصفر آقا را زنده و پویا و هجوم آور نگاه داشته است و با هر شماره تلخ خنده ها بر لب های دهها هزار ایرانی می نشاند که همراه با این تلخ خنده ها شور و ایمان به مبارزه را هر بار شعله ورت می کند.

پیروزی هادی خرسندی را در این نبرد بزرگ خواستاریم و آرزوی کنیم که اصفر آقا به زودی در ایران رها شده از حکومت استبداد ددینی طبع و نشر شده و بدست انبوه بی شمار مشتاقانش برسد.

اعتقاد ریگان برایست که بوتا تنها کسی است که میتواند روزی اکثریت (۹۱ درصد) از مردم آفریقای جنوبی را از لحاظ مدنی و سیاسی در ردیف اقلیت سفید پوست قرار دهد. ریگان اهمیت به کندی و تشدی اطلاعات و تحول نمی دهد. راضی است که تحول آغاز شده است. وی در نطق خود به دودسته حمله ور شد. کسانی که در آفریقای جنوبی به قول معروف "سوپر ریاست" هستند و با هر گونه جرح و تعدیلی در رژیم ردموازی و مجازات یعنی آپارتید مخالفتند. به عبارت دیگر آفریقای جنوبی تنها کسی است که عقب ماندگیها را هستند که در قرن هفدهم وارد این سرزمین شدند و خود را خالق آن میدانند. این ملت کوچک هلندی همه جا دم زلختند می زند. "ملا" در هلند هم شعار خدا هلندی را آفرید و هلند را همه جا به چشم میخورد. دسته دوم رهبران و اعضای کنگره ملی آفریقا هستند و طالب تغییرات بنیادی و سریع هستند و اعتقاد به اصلاحات تدریجی ندارند. زیرا اصلاحات مذکور دست به ترکیب برتری اقلیت سفیدمنی زنده و در آزادی و برابری کامل بروی اکثریت سیاه پوست نمی گذاید. برزیدنت ریگان که طرفدار میانه روها و به اصطلاح اعتدالیون است برابری براندازی تدریجی سیستم تبعیض نژادی پیشنها کرد و جدول زمانی برای انقراض تدریجی قوانین مربوط به آپارتید تدوین گردد. رهایی تمام زندانیان سیاسی و در درجه اول تلسون منسودلا پیشوای کنگره ملی آفریقا. اجازه فعالیت به نهضت های سیاسی سیاه پوستان. گشایش باب مذاکره میان مقامات سفید پوست و سایر چرخه سیاه پوستان به منظور پیروی یک سیستم سیاسی مبنی بر توافق که حافظ اقلیت ها نیز باشد.

ریگان از هر اقدام فراطبی که دستگاه حکومتی آفریقای جنوبی را متزلزل کند احتیاطی جوید زیرا عقیده دارد که به نفع اتحاد شوروی تمام خواهد شد. بی جهت نیست افراطیون سفید پوست را مانع اجرای برنا ملاحظاتی تدریجی و سیاه پوستان بی حوصله و ناشکیبارا همدست عینی کمونیم بین المللی میدانند.

تردید نیست که اگر نصف این برنا مه هم عملی شود بقول روزنامه لوموند قدم بزرگی به سوی پایان فاجعه آپارتید خواهد بود. ولی هیچ تضمینی در کار نیست که بوتا رئیس جمهوری آفریقای جنوبی واقعا "بخوا هدیا بوتا ند" (بعلت مخالفت شدید اکثر سفید پوستان حاکم) برنا مه مذکور را عملی کند. ریگان هیچ جا در نطق اخیر خود نگفته است که در صورت ادامه رویه کنونی پرتوریا و شکنندگی در رویه خود تجدید نظر و اعمال مجازات های اقتصادی را تجویز خواهد کرد. بنا بر این افراطیون سیاه پوست از زبان اسقف توتو این نطق را "موع" خواندند و افراطیون سفید پوست هم تخطئه تبعیض نژادی را در این نطق بهیچ وجه بمذایق خویش خوش نیا فتند. میانه روها هم چیزی جز حرف ودلالت به صبر و تحمل دستگیرشان نشد. خلاصه ریگان همچنان به سیاست "تعهد سازنده"

خود در آفریقای جنوبی ادامه می دهد. جس رستون در تفسیر این نطق می نویسد: "اگر برزیدنت ریگان به سیاست "تعهد سازنده" خود یعنی کج دا رومرزا دا مه دهنده تنه ها با دمکرات ها که او را متهم به محامله با آپارتاید می کنند درگیری سختی پیدا خواهد کرد بلکه با سردمداران حزب خودش نیز ناچار در خوا هدا فتساد. زیرا رفقای حزبی او که تصوری کنند معنی دگرترین ریگان مبارزه برای آزادی در گرانا دا، نیکا را گسوا، فیلیپین است از خود می پرسند چطور شد که کمیت این دگرترین در آفریقای جنوبی لنگ شد." لوکار رئیس کمیته روابط خارجی سنا پس از شنیدن نطق رئیس جمهوری گفت: شاید امیدوار بود که این نطق حرف آخر رئیس جمهوری نباشد. از خلال فضای پرود و خون آلودی که آفریقای جنوبی را فرا گرفته است مشعل بتوان و قایم آن را پیش بینی کرد. قدر مسلم نیروهای تسریع برای مبارزه ای سخت و طولانی تجهیز می گردند. در این صورت بقول روزنامه نیویورک تا میز خوب بود ریگان هیچ نمی گفت و کنا رتا چرو بوتا جانی گرفت.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه -

شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی) فارسی و به صورت لاتین)

نام خانوادگی: Nom

نام: Prénom

آدرس: Adresse

ما بایم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... حواله کنیم. رسید بهضمیمه ارسال می گردد.

شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78 - Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

گزارش‌های ایران

مزد مرگ

تنگناهای اقتصادی از یکسوی و کمبود ارز بران خریدار روومو ضروری زسوی دیگر سبب شده است که دولت غیرمسئول جمهوری اسلامی ترغیب‌نا زهای را برای تاء مین نیازهای جبهه و همچنین شهروندان عزم کند. او ابتدا کالاهای ضروری خود را نشان می‌کند و سپس به پناه حمله به محکومین وارد عمل می‌شود و این حمله حتماً نه آخوندی تاکنون در مورد دودسته کالا دارو و برنج به مرحله اجرا درآمده است. جمهوری اسلامی از مدتی پیش دست بازرگانان را در مورد خرید هرکالای به شرط استفاده از ارز صادراتی و نیاز شدید بازاری به داروهای ضروری بخصوص داروهای قلبی از طریق شیخ‌نشینان و باکستان اقدام به واردات دارو کردند و دولت که در جبهه دارتنگنای داروهای ضروری قرار گرفته بود با اطلاع از ورود دارو از پاکستان مسئله احتکار رو کمبود دارو را به وسیله رسانه‌های تحت فرمان خود علمی کند و سپس در یک پیوسته چنان‌که علیه شرکت‌های داروئی در اوهره‌سایبان را ضبط می‌کند. این اقدام حساب شده که نشان در مانندگی یک دولت می‌تواند با شدن در اقتصاد محافل بازاری را انداخته که آقای منتظری در نطق لیبیرال منشانه خود به کارگزاران دولتی اعتراض کرده که ضبط اموال مردم و کسبه به جرم داشتن یک یا ده کارتن جنس صحیح نیست، هر کاسی چیزی پس انداز دارد.

نکته جالب، مباحثه یک مقام مسئول جمهوری اسلامی با چرایدا پناخت بود که مدعی شد داروهای مکشوفه کفاف هفده سال نیاز داروئی کشور را می‌کند این موضوع مضحکه مردم شده و در محافل خانوادگی بعنوان جوک نقل میشود و از خود می‌پرسند این کدام داروئی است که می‌تواند ۱۷ سال بدون فاسد شدن دوام بیاورد.

جمهوری اسلامی همین ترغیب‌نا در گیلان وما زندران بکار زردچون برای دولتی که هزینه کم‌رکن جنگی بیهود را بردوش می‌کشد تهیه ارز برای خرید برنج از خارج امکان پذیر نیست، در یک تها جه گسترده و حساب شده برنج های فروشگاه ها و انبارهای کسبه را در این دو استان لاک و مهرگردتا بتدریج موجودی آنان را با قیمتی که خود تعیین می‌کند در شهر توزیع نماید. از بد شانی نظام اسلامی، بعلت بی کفایتی و رشوه‌خواری ما مورین خرید برنج های وارداتی پاکستانی که کوپنی توزیع میشود آنچنان غیرقابل استفاده است که مردم با همه سختی که در خرید برنج کیلوئی ۷۰ تومان دارند از خرید برنج کوپنی که فقط ببرد آش می‌خورد طفره می‌روند. آخرین خبر در مورد قیمت برنج در تهران - برنج صدی معمولی کیلوئی ۸۰۰ ریال را که می‌شود بدین ترتیب زودتر از پیش بینی، قیمت برنج به کیلوئی یک هزار ریال خواهد رسید. اصولاً تصمیماتی که این روزها از سوی حکومت ولایت فقیه اتخاذ میشود برآستی هم برای خودشان وهم مردم عمیقاً گسج کننده است و جزا بجا دافتگی از بیس آفتگی ثمری ندارد. دولتی که بقول عوام الناس از لجاجت و بیگانه‌گی همیشه می‌گفت مرغ یک پا دارد و در طول همین یکی دو ماه با رها در تصمیمات خود تجدید نظر کرده و تسلیم مردم شده است. مثلاً جمهوری اسلامی از چهار ماه پیش برای اخذ شریه از دانش آموزان شروع به آماده ساختن ذهن مردم کرد. عنا وینی از قبیل مشارکت مردم - کمک مردم ووو... شدیدا مورد استفاده کارگزاران تبلیغاتی رژیم قرار گرفت

از وزیرتا مدیرکل آموزش و پرورش در مورد چاپ قبوض شهری و میزبان کمک با رها مباحثه و گفتگو کردند و از چند روز قبل از شروع ثبت نام مدیران و معانسان مدارس را با کمک شورا های اسلامی آماده غارت مردم و اخذ شریه های همت عالی ساختند و الحق مدیران حزب اللهی در خوش رقصی و چپاول موجودی جیب مردم در مانده ای که از تاء مین خوراک و لباس و دفترچه فرزندان خود و اما ندهاند، سنگ تمام گذاشتند. در جلو عمارات مدارس و دفترها ی ثبت نام فربساد آه و نغیرین و اعتراض توام با آشک و زاری گوش فلک را کر می‌کرد و سببه تدریج این اعتراض ها به میتینگ های کوچک، عیان و اعتراض های تند تبدیل می‌شد و حزب الله فهمید که اگر به اخذ شریه آن هم با فشار روبی رحمی خاص این گروه ادا مدهد نخستین شورش ها از مدارس شروع می‌شود. در این مورد دستگاه زیر فرمان آخوندی شهری با شتاب گزارش های ثی برای کابینه موسوی فرستاد و آن ها با عجله طی اعلامیه های کارکنان مدارس را تهدید کردند که چنانچه به اخذ شریه های اجباری اقدام کنند مجازات خواهند شد ۱۱ گوئی مدیران مدارس سر خود شریه می‌گرفتند و در حساب شخصی خود می‌ریختند یا مدیران و کارکنان مدارس از دولت دیگری در اخذ شریه دستور می‌گیرند. با بد توفیح دهیم که مدیران حزب اللهی و خود فروشان شورا های اسلامی حتی در جنوب شهران فقیرترین و بی وسایترین مردم حداقل یک هزار تومان مطالبه شریه می‌کردند و بعضی اینکه در پرسشنامه با شغل پدر دانش آموز آشنا می‌شدند که مثلاً پزشک یا مهندس یا مازاد دار است میزان شریه را تا سه هزار تومان بالای بردند.

گیجی و پربیشانی رژیم و عقب نشینی های مداوم از ترس گسترده شدن اعتراضات بهترین موقعیت ها را برای ملیون فراهم آورده تا کلیه تصمیمات دولت را به تعلیق بکشانند. هنوز مرکب مباحثه آقای وزیر نیرو و خاک نشده که مدعی شده بود سال در روزها خاموشی نخواهیم داشت که خاموشی های رسوا کننده، آقای وزیر را لال کرده است. در اعلامیه دولت پیرامون علیل خاموشی برق و قطع آب که سال گسترده تر از هفت سال حکومت آخوندی است، گفته می‌شود که نرسیدن سوخت به نیروگاهها سبب خاموشی شده است اما به هیچ روتوضیح نمیدهند که چگونه دولت حتی برای مصارف عمومی خود سوخت ذخیره ندارد. واقعیت اینست که مسئله سوخت دوباره بصورت یک مسئله حاد درآمده است. برابسر اطلاعاتی که بدست آورده ایم توزیع گاز و تویل (با استثنای تهران) در جاهای طول راه و شهرستان ها با اشکالات فراوانی روبرو شده و بسیاری از کامیون ها به علت عدم دسترسی به سوخت از کار افتاده اند. شایع است که دولت تصمیم دارد با استفاده از موقعیت جنگ، گاز و تویل را که در حال حاضر لیتری یک تومان می‌فروشد به لیتری سه تومان افزایش دهد. هم اکنون طبق اطلاع محرمانه ای که بدست آورده ایم کمیسوی متشکل از مقامات شرکت نفت، دارائی و نما بندها منیتی رژیم مشغول مطالعه در مورد افزایش نرخ بنزین است. اما تنها نگرانی آنان احتمال مخالفت عمومی است و رژیم بخوبی می‌داند که هر حرکت اجتماعی و همگانی ممکن است آنقدر گسترش یابد که به مرگ محتومش منجر شود، اما از سوی دیگر در تنگنای اقتصادی هیچ چاره ای جز افزایش قیمت یا جیره بندی ندارد. در صورت جیره بندی ممکن است

بمب بنزین های مشخصی به عنوان آزاد، بنزین را لیتری ۵ تومان بفروشند. وضع تهیه و توزیع سوخت و فرآورده های سوختی یکی از مهمترین مشکلات دولت را تشکیل می‌دهد. هفته پیش دولت با صدور اعلامیه کوتاهی تعطیل دو پمپ بنزین جا ده را ز را ظاهر " به بهانه تعمیرات اعلام داشت که هر انسان عاقلی میدانست که هیچ پمپ بنزینی در فصل تابستان در چنین جا ده بر رفت و آمدی حاضر به تعمیرات نیست. توزیع گاز خانگی نیز مجدداً با اشکال روبرو شده و مردم برای گرفتن یک سیلندر گاز با پدیده های بار تلفن و ایتماس بکنند تا پس از گذشت دو ماه یک سیلندر گاز بگیرند.

منازه های تهران که روزگاری جلوه و رونق داشت و از مشرتی انباشته بود امروز بجز منازه های نانوائسی و لبنیاتی، بقیه یا تعطیل شده اند، یا در شرف تعطیل اند یا اعلام فشرودش سرقفلی کرده اند، یا آنچنان سوت و کور است که بیشتر به خانه ها رواج شیا هتدا رد. شاید این آثار جالب باشد که بیست هزار مشتری روزانه در فروشگاه "قدس" در خیابان پهلوی امروز به نصف تقلیل یافته و دیگر ارف های خریداران در برابر صندوق ها خبری نیست. رستوران های بزرگ جا ده پهلوی نظیر چاتانوکا، سورنتو، ریویرا یا تعطیل شده و یا شب ها خالی از مشتری است و فضای روشن رستوران های جا ده پهلوی به قبرستانی متروک بدل شده است و دکها و منازه های فقیر اندها اندویج فروشی مشتریان سابقاً بولدار را به درون می‌خوانند. امواج بیگاری با تعطیل کارخانه ها با وجود جذب بی پایان بیگاران از سوی بسیج، چهره شهر را تغییر داده است. بسبب کارمندان واحدهای صنعتی درو هله اول مرخصی اجباری می‌دهند بعد از آنها می‌گویند هفته ای سه روز سرکار می‌آیند و سرانجام پیشنهاد می‌کنند یا به جبهه بروید یا تسویه حساب کنید. بیشترین تعداد در کارمندان ایران ناسیونال به جبهه اعزام شده اند، کارمندان کفش ملی هفته ای سه روز سرکار حاضر می‌شوند و بعضی بیگاران شهرها اخیراً "شغل تازه و خطرناکی برای خود دست و پا کرده اند به این ترتیب که مقامات حزب اللهی شهرها، کسبه و افراد را برای رفتن به جبهه سرشماری و تحت فشار می‌گذارند که باید از خانواده بیستگان شمایک نفر به جبهه بروند. در این هنگامه یکی از افراد دا و طلب با بزرگ خانوادها وارد مذاکره می‌شود و در برابر ابراهان بیست تاسی هزار تومان برای یک نوبت یک ماهه عاز جبهه میشود. این افراد انسان را با بدجا بزه گیری های فیلم های وسترن می‌اندازند. همه این دا و طلبان مرگ به فوت و فن جبهه ها که ملا" آگاه و آشنا بیدوبه کمک عوامی که در بسیج دارند و بخششی از دستمزدشان را می‌گیرند، در محل ها می

"سنگ های هار" جمهوری اسلامی نما بنده آبا با دان در یک سخنرانی در روز ۲۹ تیرماه در مجلس شورای اسلامی گفت، رئیس جدید آموزش و پرورش کاشان را در روز روشن ربوده اند. وی افزود: بعضی از شخصیت های غیردولتی و مسئولان دولتی در این کار موثر بوده اند و از آن جماعت کرده اند. وی گفت: "رئیسان بندگان به همراه رئیس آموزش و پرورش مورچه خورت در صفتان، دستگیر شده اند، اما دویا ره در کاشان آزادی شون و مجدداً با همکاری چند ساواکی ما رکدا رواجی های آموزش و پرورش، رئیس آموزش و پرورش کاشان را در پشت میز تا سر حد مرگ کتاکت می‌زنند. محمدعلی تبار در همین سخنرانی، تازه ترین لقب را به جناح های رقیب دولت اسلامی داد و آن ها را "سگ هار" نامید، وی گفت: "ابن عباس به علی می‌نوید و دوازده هزار نفر مردم ظاهراً اصلاح با لباس ها و قیافه های اسلامی حتی پیشانی ها زجده ورم کرده هستند که منحرف شده اند و تورا تکفیر می‌کنند و می‌فرماید این ها سگ هارند که تا آخرین نفس با یی با آن ها جنگید."

استقرار می‌یابند که خطر کمتری آنها را تهدید می‌کند. جا بزه گیری ان جنگی به خصوص در شهرهای خرم آباد و تبریز و سرد فراوان دیده می‌شوند. دولت برای اخذ کمک برای جبهه ها از مردم راه های متفاوتی کشف و ابداع کرده است. کمکی که در هفته دوم تیرماه از با زار جمع آوری و با سرو صدا و تبلیغ زیاد همراه بود بیشتر از طریق اتحادیه های منفی و تعاونی جمع آوری شد و حزب اللهی های جناح روزنا مه رسالت از جمله با دامچیان و اما نی و بقیه گروه برای خودنمایی در برا بر خمینی دست به این خوش خدمتی زدند. این فشار بر کسبه و اصناف اکنون دا منه بیشتری گرفته و چند روزی است که از طریق رسانه های گروهی مقدمات یورش مالیاتی فراهم می‌شود و احتمالاً بزودی شا هدفش را می‌یابد برای دریافت مالیات از منازه داران و کسبه خواهیم بود.

پزشکان ایرانی
اعتصاب و اعتراض
ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱
پزشکان، ۴۱ تن از آنان را دستگیر و با زداشت کرد و سازمان نظام پزشکی ایران را که مسئول این اعتصاب بود، منحل ساخت. مطابق لایحه قانونی ای که مورد اعتراض پزشکان قرار گرفته است هر بیمار را بدست در مان پزشک هم جنس خود قرار گیرد. به این ترتیب زنان تنها می‌توانند به پزشکان زن مراجعه کنند، اما تعداد پزشکان زن ایرانی برای ۲۱ میلیون زن ایرانی تنها ۱۰۹۵ نفر است. به موجب لایحه جدید، پزشکان نباید بدون موافقت قاضی شرع، بیمارانی را که "معارض با خدا و مفاسد فی الارض" هستند، درمان کنند. پزشکان می‌گویند که این ماده از لایحه تنها به مخالفان سیاسی رژیم آیت الله خمینی باز می‌گردد. دکتر غلامعلی شریفی، سخنگوی سازمان نظام پزشکی ایران در این باره می‌گوید: "دولت می‌خواهد پزشکان را به جاسوسان رژیم تبدیل کند. اما ما، بنا به سوگندی که خورده ایم وظیفه داریم که هر بیماری را که به ما نیا زدا شده باشد درمان کنیم. رژیم جمهوری اسلامی برای جلوگیری از اعتصاب ۱۴ و ۱۵ ژوئیه چهل و یک تن از پزشکان را دستگیر و زندانی کرد. دکتر محمدعلی حفیظی رئیس سازمان پزشکی ایران و نیز پیروان سوسیالیست شمس ۸۳ ساله که در جامعه پزشکان ایرانی مقام پیش کسوتی را دارا است، از جمله پزشکان با زداشت شده بوده اند. روز ۸ ژوئیه حجت الاسلام شمی رفسنجانی در نماز جمعه از پزشکان ایران خواست تا کشور را ترک گویند. وی خطاب به پزشکان گفت: "شما همه تان مجرمید، ما به شما خیلی امتیاز دادیم. اما حالا دیگر نه نیازی به شما داریم و نه نازتان را می‌کشیم. هادی منافی، وزیر پیشین بهداشتی نیز به نوبه خود پزشکان را معتصابی را متهم کرد که خود را به "امریکا، شیطان بزرگ" فروخته اند. وی ضمن سخنان خود خطاب به آنان گفت: "شما می‌خواهید که مردان بتوانند با استفاده از عنوان پزشک زنان را لمس کنند. در واقع شما می‌خواهید در بیمارستان ها و در مانگاه های خصوصی فحشاء را رواج دهید." به گفته منافی، جمهوری اسلامی آماده است تا همه پزشکان را معتصابی را از کار برکنار کند و این در واقع تقریباً همه پزشکان ایران را شامل می‌شود. وی روز ۲۱ ژوئیه ضمن سخنان خود گفت: "ما قادریم به نیروی ایمان مان، خودمان را معالجه کنیم. رستگاری در آن دنیا برای امت حزب الله بسیار مهم تر است تا سالم بودن در این دنیا فانی." با وجود این، رژیم جمهوری اسلامی سه هیأت رسمی به منظور جذب و استخدام هزاران پزشک مسلمان به کشورهای پاکستان، هندوستان و بنگلادش اعزام کرده است.

افریقای جوان - ۲۵ ژوئیه ۸۶

حسینعلی مشکان

ضربه کاری بر پیکر دشمن

مهدی عباسی در با زگشت از سفر حج به مدینه وارد شد و در مسجد پینمبریه منبر رفت و آغاز به وعظ کرد. ضمن موعظه به خودستانی پرداخت و گفت درسا به تداوم بیبر من چنان عدالتی برقرار شده است که در قلمرو حکومت اسلامی کسی چراغ تعدی به دیگری ندارد. عربی که پای منبر نشسته بود از راه دهان تیزی رها کرد با سه اصطلاح رایج "شیشکی" محکم بست. ملازمان خلیفه عرب را گرفتند و برای با زجویی به نزد وی بردند. مهدی گفت ای مرد، من پسر عم رسول خدا و خلیفه مسلمینم و تو به من استهزاء میکنی؟ عرب گفت: ای خلیفه، آنچه را تو در باب احکام گفتی من گوش دادم و تصدیق کردم، اما وقتی از عدالت خودت لاف زدی آن حرکت بی اختیار از من سرزد چرا که دیدم تو بر منبر پینمبر نشسته ای و چشم در چشم امت محمد دروغ می گوئی.

مهدی گفت از کجا بر تو معلوم شد که من دروغ می گویم؟ عرب گفت: از آنجا که من خود ما حب مزرعه خوبی بودم و ما مل توان مزرعه را به غصب از من گرفت و آنچه تنظّم کردم داد من ندادی، چون ترا با خود چنین یافته ام حال دیگران را هم بحال خود قیاس می کنم.

مهدی گفت من خلیفم و مال و جان من مسلمین در قیافه اقتدار من است هر چه از من صدور یا بدعین حق و محض صواب است. عرب گفت: ای خلیفه! گرسخن اول تنسو تیزی جایزه داشت ملای این سخن دوستی است!

جواب سخنرانی هشتاد دقیقه ای میر حسین موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی همان است که آن عرب به مهدی خلیفه گفت.

آقای نخست وزیر هشتاد دقیقه حرف زده و آسمان را به ریسمان بافته تا به کسائی که در داخل رژیم گوشه ای از اوضاع وخیم کشور را فاش کرده اند بگوید وقتی ما دروغ می گوئیم ترا نیست شما مجسمان را با زکنید. با دیده هم یکصد دروغ بگوئیم و نگذاریم مردم بفهمند اوضاع مملکت از چه قرار است. منتهی بعد از سخنرانی ایشان آن ها با هم که حرف های دیگران را نشنیده یا چندان اهمیت نداده بودند فهمیدند به برکت انقلاب اسلامی و استقرار رژیم آخوندی ایران در چرخه وضعیتی بسر می برد و چه آینه دیدی در پیش دارد.

یکی از مواردی که نخست وزیر جمهوری اسلامی انگشت بر آن گذارده گزارش رئیس اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی است در سمینار رگمان.

رئیس اتاق بازرگانی در آن گزارش گفته بود با تقلیل قیمت نفت و کاهش قیمت دلار، درآمد ارزی دولت در سال جاری ارزش میلیاردها دلار تاجا و زمینی کند و در صورتی که فترعا جلی نشود بیش از دو میلیارد نفر بیکار می شوند.

نخست وزیر جمهوری اسلامی "اولا" از حسن نیت اتاق بازرگانی در برگزاری چنین سمیناری مطمئن نیست و به کنایه میگوید: "بندگاهاری به اهداف آن ها نرسد، اما انشا الله هدف ها همه در جهت اصلاح و پیشبرد انقلاب باشد... و بعد، اما فعلا و می کند: " روند کار در شرایط انقلاب و در شرایط جنگ اینست که با اطلاعات حساب شده و بطور منظم و کار ملاحظه بر راهبردی شده و هماهنگ مسائل را مطرح کنیم نه اینکه یک ارگان غیر دولتی که بنوعی خودش را بدولت می بندد بیاید مطرح کند و اطلاعات را با مقداری پیشداوریهای خود عدم بینش خودش غلیظ تر کند و اطلاعاتی در اختیار جامعه بگذارد که دولت بخاطر تبلیغات آن با بدما ههها بدود تا خط شکلات ناشی از آن را حل کند."

معنی فرمایش آقای نخست وزیر روشن است. ایشان به زبان خیلی ساده میخواهد بگوید ما با دیدن برنامه منظمی برای دروغ گفتن داشته ایم. دروغ ها یسان با دیدن برنامه ریزی شده و هماهنگ باشد. وقتی دولت در بودجه کل کشور در آمد نفت را هیجده میلیارد دلار پیش بینی می کند در حالی که خودش میداند دروغ می گوید و مجلس هم آن را تصویب می کند در حالی که وکلای دانند دولت دروغ می گوید و آن ها به بودجه منسوخ رای می دهند دیگر درست نیست رئیس اتاق بازرگانی حساب کند و رقم عدد بدست بدهد که درآمد نفت از شش میلیارد دلار تاجا و زنخواهد کرد.

مصاحبه "صدای آمریکا" با دکتر عبدالرحمن برومند

آمادگیهای ما در براندازی استبداد دینی

کشور در دوره بعد از خمینی، از برومند پرسیدم، پاسخ داد: "بعد از سقوط رژیم هدف نهضت مقاومت ملی، که البته می دانند، نهضت حزب نیست بلکه حالت یک جبهه را دارد که از افق های مختلف سیاسی در این سالها جمع شده اند. این افق ها از چپ غیر وابسته گرفته تا راست غیر وابسته هستند. از به اصطلاح سوسیالیست گرفته تا لیبرال، هست ولی همه در یک چیز اشتراک عقیده دارند و آن آزادی ملت ایران و استقلال مملکت ایران است، استقرار حاکمیت ملی است یعنی ملت باید همواره حاکم بر سرشودت خودش باشد و در آن راه مور مملکت مشارکت داشته باشد، همگامی باشد و وقتی حاکمیت ملی مستقر شد کلیه مسائل داخل ایران حل می شود.

دبیر اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران می افزاید:

"پس از استقرار حکومت دمکراسی، یک حکومت موقت در کمال استحکام در چهار چوب قانون اساسی مشروطیت انتخاب تا آنجا که دیرگزار می کنند مردم هر نوع دولتی را که ما بپسندیم انتخاب کنند. صدای آمریکا: در مورد مشکلاتی که رژیم آینده ایران در زمینه استقرار مجدد نظم و قانون در ایران آشفته با آن روبرو خواهد شد پرسیدم:

برومند: " البته اداره مملکت کار مشکلی است بخصوص اداره ایران بعد از سقوط این رژیم که بیش از هفت سال است که بزرگترین و سیاه ترین جناحی که تاریخ ایران بخاطر داشته مرتکب شده، البته اگر کار مشکلی است ولی کار غیر ممکن نیست، چون دولت بعد از دولت خمینی، یک دولتی است متکی به قانون ما هر چه قدر که با اقتدار شخصی و فردی مخالف هستیم، با اقتدار قانون موافقیم. ما در قوانینی که در مملکت داشتیم، قبل از فتنه خمینی، پیش بینی تمام این مسائل شده بود. بعد از خمینی آزادی به مردم داده می شود که بتوانند عقیده شان را بیان کنند، ولی با نوشتن با نطق و خطا به هیچ کس عقیده اش را با اسلحه نمی شود ادبیدگی تحمیل کند، اخطار می شود اسلحه تحویل دولت بشود و هر دسته ای هر سال زمانی که از تحویل اسلحه خودداری کند یا برای پیشبرد مقاصد خودش دست به اسلحه ببرد بموجب قانون، با اسلحه و با کمال خشونت و شدت به او پاسخ می دهیم که سرکوب خواهد شد."

صدای آمریکا: در مورد جریان لطمانی که در دوره خمینی به ایران وارد شده و مدت زمانی که جریان این خسارات طول خواهد کشید از برومند سؤال کردم:

برومند: " البته خسارات خیلی سنگین است. ولی ملت ایران یک ملت فقیری نیست. منابع شرور بسیار وسیع در اختیار دارد که سال های سال می توانند بجای بگوئی احتیاجات مملکت باشد که خود می توانند منابع جدید را صد و تولید برای مملکت فراهم کنند. فقط به محض اینکه در مملکت نظم و قانون حاکم شد، کافی است که حکومت آینده ایران یک حکومت دلسوز و پاکدانی باشد که بزودی تمام این خسارات جبران می شود و ایران با زروی پای خودش بایستد و جای را که شایسته است در دنیا اجرا کند."

صدای آمریکا: برومند می گوید حکومت آینده که حکومت ملی خواهد بود، بلافاصله به جنگ با عراق پایان خواهد داد اما این کار شرایطی خواهد داشت و عراق باید از جمله قرار داد الجزایر را که با ایران امضا کرده همچنان محترم بشمارد و اختلافات خود را با ایران بطمسور مسالمت آمیز حل و فصل کند. در مورد رفتن آقای مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق به عراق، آقای برومند می گوید:

" آقای رجوی درست به همان جای که باید برود رفت. دیگر تردیدی نیست که آقای رجوی یک عامل عراق است."

رادیو صدای آمریکا روزه ۱۷ ژوئیه گذشته مصاحبه ای را که با دکتر عبدالرحمن برومند دبیر هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران بعمل آورد پخش کرد و هموطنان ما در داخل کشور از متن آن آگاهی یافتند در این مصاحبه گوینده صدای آمریکا در مقدمه گفتگو گفت: عبدالرحمن برومند ابتدا درباره تشکیلات نهضت و فعالیت های بیرون مرزی و درون مرزی آن توضیح داد و گفت: " به سبب جو حاکم بر ایران هسته های عملیاتی نهضت برای مقابله با رژیم مستقلا" و مخفیانه فعالیت می کنند با شورای مرکزی نهضت در خارج از کشور مستقیما" تماس دارند. به این خاطر که اگر هسته های مقاومت لو رفتند ضایعات محدود باشد. برومند که مسئول فعالیت های درون مرزی نهضت مقاومت ملی است می گوید: " نهضت نخستین جنبشی بود که برای مبارزه علیه رژیم مافوق فاشیستی خمینی بوجود آمد و صلاح دید که یک تشکیلات مرکزی در ایران که قابل انهدام توسط رژیم باشد بوجود نیاید اما برای روز سرنوشت این هسته ها که مخفیانه فعالیت می کنند یکدیگر را خواهند یافت و بهم خواهند پیوست. برومند می گوید: تمام پیش بینی های لازم تدارک دیده شده برای روزی که باید این هسته ها بهم پیوندند و آن روزی است که قیام اصلی برای سرنگون کردن این رژیم صورت خواهد گرفت.

برومند می افزاید:

" شاخه نظامی نهضت مقاومت ملی ایران، سابقه فعالیتش بیشتر از شاخه غیر نظامی نهضت است. البته وقتی ما از شاخه سیویل صحبت می کنیم هدف ما مسابزه مسالمت آمیز نیست، چون در شاخه غیر نظامی و سیویل هم عناصرا مسلح با عناصرا که آمادگی مسلح شدن و نبرد مسلحانه را دارند وجود دارد باید ملت در روز قیام آماده باشد که اگر رژیم برپا بماند قیام مسلحانه عمل کند ملت بتواند مسلحانه به آن پاسخ دهد."

آقای برومند می گوید:

فرا رسیدن روز قیام با شرایطی توأم است که قسمت اعظم وعده ها به عهده خود مردم است. در درجه اول اراده ملت ایران است برای سرنگون کردن این رژیم. وقتی این اراده به تمام معنا در ملت ایران پیدا شد، آن وقت یک اقدامات مقدما تی هست که خود مردم در هر گوشه و در هر سطحی و در هر شغلی که هستند بنا به امکانات عملی خویش، در کار، شغل و زندگی خودشان اقداماتی که ما خطوط کلیش را مثل مبارزه منفی، عدم طاعت و نافرمانی به صورتی که ممکن باشد و یا تضعیف بنیه مالی رژیم به صورتی که ممکن است، از طریق وارد کردن خسارات، از طریق نپرداختن مالیات، یا بدچینی شیوه های رایج را بپسندند، این شیوه ها وقتی مدتی بکار بسته شد بتدریج محیط آماده می شود برای اینکه تاریخ قیام معین بشود و روز قیام به جلو بیفتد."

نماینده صدای آمریکا:

- در مورد چراغ سبزی که گاهی جدی و گاهی شوخی بکار می رود و اشاره به وضعیتی است که به قول بعضی ها یک قدرت بزرگ اشاره کند که زمان انقلاب یا قیام در ایران قرار رسیده و مخالفان رژیم از کمک آن قدرت نیز برخوردار هستند نظر آقای برومند را پرسیدم.

برومند پاسخ داد:

" راجع به این چراغ سبز نهضت مقاومت ملی ایران به کار آن نظر خود را رسمیا" اعلام کرده است. نهضت مقاومت ملی، هرگز به چراغ سبز اعتقاد ندارد و وقتی مبارزات را شروع کرد چراغ سبزی زده نشده بود و تنها سازمان سیاسی بود که در خارج از ایران بوجود آمد و برای مبارزه و نجات ایران اقدام کرد و منتظر چراغ سبزه برای آغاز مبارزات بود و نه در آتش برای هر کار دیگری منتظر چراغ سبزه است.

صدای آمریکا: در مورد مرحله بعد از سقوط رژیم خمینی، نحوه اداره امور

شما میخواهید بگوئید رئیس اتاق بازرگانی چرند گفته است. گزارش محرمانه مربوط به وضع اقتصادی و مالی کشور هم که از سازمان برنام و بودجه به مطبوعات درز کرده است و واقعیت ندارد ولی در همین حال خودتان میگوئید دولت با یک ابتکار بی سابقه و یک اقدام انقلابی شگفتی انگیز، برای درهم شکستن توطئه ها به دستگا های اجرائی کشور بخشنامه کرده و دستور داده است ۶۲ میلیارد تومان از بودجه های عمرانی و جاری بکا هتد.

این قسمت از فرمایشات آقای نخست وزیر حقا" چندبار چینی که آن عرب گفت استحقاق مله دارد. می فرمایند: " ما در فروردین ماه یک اقدام انقلابی بی نظیروبی سابقه انجام دادیم. در آن ماه بخشنامه ای داشتیم به تمام دستگا های اجرائی کشور و او اسطه آن وزارت برنام و بودجه و تمام دستگا ها موظف شدند که ۶۲ میلیارد تومان صرفه جویی در بودجه های عمرانی و جاری کشور داشته باشند... ما در حقیقت با این اقدام اولین ضربه را بر پیکر دشمن وارد کردیم!

عجب ضربه جانی نهی!

آقای دولت فقط دو هفته بعد از آنکه بودجه معمول خود را بر مبنای هیجده میلیارد دلار در آمد مدنفت با اصرار و فشار به تصویب مجلس میرساند ۶۲ میلیارد تومان از اعتبارات عمرانی و اجرائی حذف می کند، یعنی دستوری دهد کلیه طرح های عمرانی متوقف شود و معلوم است که این تصمیم مشعشا نه انقلابی به تعطیل چه تاء سیسات و بیکاری چه تعداد کارگروکار رمندهما نجامد.

نخست وزیر که کاش بهای نفست و بر باد رفتن میلیاردها دلار ثروت ملی ایران را "الطاف خلیفه خداوندی" میسرمد، لاجرم باید بگوید تعطیل شدن کارگا ها و بیکار شدن کارگران و متوقف ماندن طرح های عمرانی در ایران ضربه کاری است بر پیکر دشمن!

تلفن خبری

همه یمنان عزیزا

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

شماره تلفن: ۸۵-۲۶-۴۲ با ریس

نشانی:

QYAM IRAN
C/O C.B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد